

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



زیستن زیر سایه خورشید

سرشناسه	: حکیمی، محمد مهدی، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: زیست‌ زیر سایه خورشید/ محمد مهدی حکیمی.
مشخصات نشر	: مشهد: بنیاد فرهنگی هنری امام رضا (ع)، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۶۷ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۴۰-۱۰-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۱۵۳ق - ۲۰۳ق.
موضوع	: علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۱۵۳ق - ۲۰۳ق. -- فضایل
شناسه افزوده	: بنیاد فرهنگی امام رضا علیه السلام
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۴ ۹/ح/۳۵/۳۵ BP۴۷
رده بندی دیویی	: ۳۹۷/۹۵۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۸۹۳۹۳۸
تاریخ درخواست	: ۱۳۹۴/۰۵/۰۳
تاریخ پاسخگویی	:
کد پیگیری	: ۳۸۹۳۱۱۴

### زیستن زیر سایه خورشید

نام مولف: محمد مهدی حکیمی

ناشر: انتشارات بنیاد بین المللی فرهنگی و هنری امام رضا (ع)

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۸۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۴۰-۱۰-۱

نشانی: بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا (علیه السلام)

مشهد مقدس - بلوار شهید کامیاب - نبش شهید کامیاب ۳۴

پلاک ۳ - ساختمان امام رضا (علیه السلام)

تلفن: ۰۵۱-۳۲۲۳۰۴۴

آدرس الکترونیکی: [www.shamstoos.ir](http://www.shamstoos.ir)

ایمیل: [info@shamstoos.ir](mailto:info@shamstoos.ir)



مقدمه:

برگزاری جشنواره بین المللی امام رضا(علیه السلام) به صورت سالانه از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در داخل و خارج از کشور به مناسبت میلاد با سعادت و سراسر نورعالم آل محمد (صل الله علیه و آله وسلم) حضرت امام علی بن موسی الرضا(علیه السلام) و کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) و بزرگداشت حضرت شاهچراغ(علیه السلام) در دهه کرامت (از یکم تا یازدهم ذالقعده) از این جهت اهمیت مضاعف می یابد که همه ساله اندیشمندان، پژوهشگران، هنرمندان و در یک کلام پدیدآورندگان آثار فاخر رضوی با خلق آثار فاخر و ارزنده زمینه ی ترویج بیش از پیش فرهنگ، سیره و معارف رضوی را با همکاری دستگاه ها و نهادهای عضو جشنواره و با حمایت اقشار مختلف مردم و با پشتیبانی دولت محترم و عنایت مجلس محترم شورای اسلامی، خصوصاً اعضاء محترم کمیسیون فرهنگی مجلس و بویژه رهنمودهای مراجع عظام و علمای اعلام در یک فضای معنوی فراهم می نمایند.

### الف: برنامه های موضوعی

برنامه های موضوعی تعریف شده در جشنواره بین المللی امام رضا(علیه السلام) شامل آن دسته از برنامه هایی می شود که توسط ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ها، نهادها و سازمانهای عضو، به صورت انتشار فراخوان و دریافت آثار و انتخاب برگزیدگان پرداخته می شود و در حال حاضر ۸۵ شاخه از جشنواره به موضوعات علمی، پژوهشی، فرهنگی، هنری، سینمایی، مطبوعاتی، دیجیتالی و کودک ونوجوان اختصاص دارد که اهتمام به ارتقاء کمی و کیفی این برنامه ها در چارچوب کارگروههای تخصصی تحت تولیت معاونتها و حوزه های تخصصی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می باشد.

### ب: امور بین الملل

برنامه های تعریف شده برای خارج از کشور در جشنواره بین المللی امام رضا(علیه السلام) با بهره گیری از ظرفیت علمی، فرهنگی اندیشمندان و دانشمندان جهان همچنین مشارکت ارادتمندان هشتمین اختر تابناک آسمان امامت و

ولایت در اقصی نقاط جهان با رویکرد علمی، پژوهشی، فرهنگی و هنری برگزار می‌گردد. این بخش با محوریت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، همکاری نهادهای فرهنگی مرتبط با خارج از کشور به ویژه مجمع جهانی اهل البیت (علیهم السلام)، جامعه المصطفی العالمیه و مرکز مدارس خارج از کشور می‌باشد.

### ج: برنامه های عمومی

سازماندهی برنامه های عمومی جشنواره بین المللی امام رضا (علیه السلام) با ایجاد فرصت های معنوی دهه کرامت در سراسر کشور اعم از شهر و روستا در قالب جشن های مردمی با مشارکت اقشار مختلف و با پیش بینی ۱۷ کارگروه از نهادها و تشکل های مردمی با نظارت شورای هماهنگی جشن های دهه کرامت و با محوریت ستاد عالی کانون های فرهنگی هنری مساجد کشور و با همکاری ۳۰ دستگاه فرهنگی و مرتبط کشور به عنوان مجری عهده دار این ساماندهی می باشند.

### د: تکریم امامزادگان و بقاع متبرکه

بزرگداشت امامزادگان به عنوان قطب های فرهنگی جامعه یکی از محورهای اصلی برنامه های روز پنجم ذیقعدة در تقویم فرهنگی کشور و در دهه کرامت می باشد که همه ساله در تمامی استانها برنامه ریزی و به مورد اجرا گذاشته می شود و در طی سال های اخیر این بزرگداشت به صورت جهانی و در چارچوب همایش و کنگره در دستور کار سازمان اوقاف و امور خیریه کشور قرار گرفته است.

### ح: بزرگداشت قدمگاه های حضرت امام رضا (علیه السلام)

برگزاری جشن های سالروز ورود امام رضا (علیه السلام) از سوی مردم در قدمگاه های مسیر هجرت حضرت امام رضا (علیه السلام) از شلمچه تا مرو با راه اندازی کاروان های نمادین و مراسم ویژه از جمله برنامه هایی می باشد که با حضور و مشارکت گسترده ی مردم در استان های مسیر هجرت و قدمگاه ها نهادینه شده است.

### و: هفته های فرهنگ رضوی:

جاری و ساری نمودن یاد و نام امام رضا (علیه السلام) در طول سال با برگزاری هفته های فرهنگ رضوی به منظور بهره مندی از تعالیم و آموزه های رضوی با ایجاد فضای بانشاط معنوی در سطح جامعه از جمله برنامه های سالانه این جشنواره می باشد که در استمرار دهه کرامت در سطح استان های کشور توسط ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و دستگاههای عضو به مرحله اجرا گذاشته می شود.

### ز: برگزیدگان:

یکی از دستاوردهای بزرگ جشنواره بین المللی امام رضا (علیه السلام) شناسایی پدید آورندگان آثار فاخر فرهنگی و هنری در زمینه فرهنگ رضوی می باشد که در برنامه های مختلف و در استانهای مختلف از سوی هیأت داوران هریک از رشته های علمی، فرهنگی، هنری، سینمایی و مطبوعاتی و دیجیتالی آثار برگزیده منتخب شناسایی و نفرت اول تا سوم پدید آورنده هریک از این آثار به عنوان برگزیده شناخته شده و طی مراسم اختتامیه برنامه موضوعی هر یک از استان ها و دستگاه ها مورد تقدیر قرار می گیرند.

### ح: خادمان فرهنگ رضوی:

یکی از برنامه های مراسم اختتامیه جشنواره بین المللی امام رضا (علیه السلام) معرفی خادمان فرهنگ رضوی می باشد که از سوی کمیته انتخاب خادمان فرهنگ رضوی جشنواره ۱۶ چهره برجسته علمی، فرهنگی و هنری در داخل و خارج از کشور که دارای خدمات برجسته ای در ساحت مقدس فرهنگ رضوی باشند معرفی و با اهداء نشان رضوی از آنان تجلیل می گردد.

### ط: افتتاحیه و اختتامیه جشنواره بین المللی فرهنگی و هنری امام رضا (علیه السلام):

جشنواره بین المللی امام رضا (علیه السلام) در دهه کرامت همزمان با میلاد حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) در شهر مقدس قم افتتاح و پس از اجرا در ۳۱ استان کشور و سطح وسیعی از نقاط جهان، اختتامیه آن در شب میلاد با سعادت حضرت علی

بن موسی الرضا (علیه السلام) با حضور مسئولان عالی رتبه، اقشار مختلف، برگزیدگان جشنواره اصحاب فرهنگ و هنر با تجلیل از خادمان فرهنگ رضوی در مشهد مقدس به کار خود پایان می دهد.

### انتشارات :

یکی از برنامه های مستمر بنیاد بین المللی فرهنگی و هنری امام رضا(ع) که تحت نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت می کند انتشار محصولات پژوهشی جشنواره بین المللی امام رضا(ع) می باشد. آنچه در متن مطالب پیش روی تقدیم شده است، حاصل قلم نویسنده ارجمند جناب آقای محمد مهدی حکیمی است که در این متن تلاش شده است تا به صورت موجز با نگاهی گذرا سیره و سبک زندگی رضوی مرور شود الگو و سرمشقی باشد برای آنان که به سعادت دنیوی و اخروی خود و جامعه ای که در آن زندگی می کنند می اندیشند و زیستن با الهام از آموزه های رضوی را به عنوان تضمین کننده بهشت جاودانه و ابدی باور دارند. پس ابعاد زندگانی و شخصیت هشتمین حجت خدا حضرت امام رضا علیه السلام و پاره تن رسول الله را بهتر بشناسیم و زیباتر بشناسانیم.

**بنیاد بین المللی فرهنگی و هنری امام رضا(علیه السلام)**

انسان امروز، خود را در کوره راه‌های زندگی ماشینی و به دور از معنویت گم کرده است؛ و روح انسانی و روابط عاطفی و اخلاق اجتماعی را به دست فراموشی سپرده و دچار سرگردانی شده‌است. زندگی آرمانی و بی‌ظلم، ستم و تبعیض و نیز دستیابی به کمال فردی و اجتماعی برای انسان امروز، آرزویی دست نیافتنی گشته است.

در بحران این زندگی، انسان امید آن دارد که بر این سرگردانی، چیره شود و راه درست زندگی را باز یابد و به زندگی نابسامان خویش، سامانی بخشد؛ و از این راه‌های پر پیچ و خم و ناهموار، در جستجوی راهی بر آید و به بزرگراه انسانی برسد و خود را در مسیر حقیقی زندگی قرار دهد. این آرزوی بزرگ انسان، آنگاه دست یافتنی است که پای در مسیر انسانهای بزرگ و راهنمایان راستین نهد و آن انسانهای سترگ و معلم بزرگ بشریت را در برابر دیدگان خود الگو و اسوه قرار دهد. و سیره و روش آنان را معیار زیست و زندگی فردی و اجتماعی و روش رابطه با انسانهای دیگر قرار دهد.

بررسی و ژرفنگری در سیره و روش زندگی انسانهای راستین و پیشوایان واقعی، روشنگر تاریخ‌های زندگی سرشار از بیم و نگرانی امروز جوامع بشری و انسانهای جستجوگر است. از این رو مربیان و اندیشمندان به این شیوه دست می‌یازند و با یادآوری سرشتها و ویژگیهای رفتاری انسانهای نمونه، جامعه‌ها و نسلها را به راهی روشن، رهنمون میشوند. و مینگریم که در کتاب آسمانی و منشور هدایت انسانی، برای تربیت و راهنمایی انسان این روش به کار رفته‌است؛ و با برشمردن ویژگیهای رفتاری و عملی انسانهای نمونه، تابلوهای انسان سازی درخشانی را در برابر دید انسانها قرار داده است.

خداوند در قرآن کریم، پیامبر بزرگ ابراهیم(ع) را بردبار و شکیب‌دار برابر مشکلات و درد آشنا و فرمانبر دستورات خویش میخواند:

إِنَّ اِبْرَاهِيْمَ لَحَلِيْمٌ اَوَّاهٌ مُنِيْبٌ (سوره هود / ۷۵): بیگمان ابراهیم بردبار دردمند فرمانبردار بود. انسان دوستی و سختکوشی - برای نجات انسان - پیامبر بزرگ اسلام نیز چنین تصویر شده‌است:

طه \* مَا اَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْاٰنَ لِتَشْقٰی (سوره طه / ۱ و ۲): ای پیامبر، ما قرآن را از آن جهت بر تو

نازل نکردیم که به رنج افتی.

همگامی و همدردی با مردم و مردم باوری راستین پیامبر، بدین سان روشن گشته است:  
 لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ، عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ، حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ، بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ (سوره توبه / ۱۲۸) هر آینه فرستاده‌های از خود شما نزد شما آمد که رنج کشیدنتان بر او سخت است و بر (گرویدن) شما (به اسلام) حریص است، و به مؤمنان رئوف و مهربان است.

و نیز قرآن، به الگو بودن چنین اشاره میکند:  
 لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (سوره احزاب / ۲۱): به تحقیق رسول خدا برای شما نمونه نیکویی است، برای هر کس که امید به خدا و روز جزا دارد و بسیار یاد خدا کند.

اینگونه است که یکی از منابع شناخت از نظر اسلام، سیره انبیاء و اولیاء الهی و پیشوایان دینی از شخص پیغمبر اکرم تا ائمه اطهار، و به عبارت دیگر سیره معصومین است. علاوه بر روایات و سخنان ایشان، شخصیت و رفتارشان، یعنی سیره و روش زندگی ایشان منبعی است برای شناخت و الگویی است برای رفتار فردی و اجتماعی جامعه اسلامی.

انسان برای رسیدن به کمال و زندگی انسانی و جامعه آرمانی، باید از وجود پیشوایان راستین بهره گیرد؛ هم در گفتار و قول و هم در رفتار و عمل؛ و شیوه و روش زندگی خویش را به شیوه و روش زندگی آنان نزدیک سازد. و امام علی بن موسی الرضا (ع) بهترین الگو برای انسان است؛ در رفتارهای فردی و اجتماعی، سرشته‌های انسانی و خصلت‌های الهی، مهرورزی و دیگر دوستی و... این امام بزرگ و پیشوای سترگ، همواره در طول تاریخ، الگوی انسان‌ها بوده و اکنون نیز چنین است. سخنان امام رضا (ع) و سیره و روش زندگی ایشان بهترین سرمشق و الگوی رفتاری است برای تمامی بشریت در تمامی روزها و روزگاران. این است گوشه‌های از راه و روش این پیشوای بزرگ انسانها، تا شاید اندکی ما را رهنمون گردد و سرشته‌های انسانی و اخلاق الهی را در ما زنده کند.

## مقدمه

انسان امروز، خود را در کوره راههای زندگی ماشینی و به دور از معنویت گم کرده است؛ و روح انسانی و روابط عاطفی و اخلاق اجتماعی را به دست فراموشی سپرده و دچار سرگردانی گشته است. زندگی آرمانی و به دور از بیدادگری و تبعیض رخت برپسته و نیز دستیابی به تکامل فردی و اجتماعی برای انسان امروز، آرزویی دست نیافتنی گشته است.

در بحران این زندگی، انسان امید آن دارد که بر این سرگردانی، چیره شود و راه درست زندگی را باز یابد و به زندگی نابسامان خویش، سامانی بخشد؛ و از این راههای پر پیچ و خم و ناهموار، در جستجوی راهی بر آید و به بزرگراه انسانی برسد و خود را در مسیر حقیقی زندگی قرار دهد. این آرزوی بزرگ انسان، آنگاه دست یافتنی است که پای در مسیر انسانهای بزرگ و راهنمایان راستین نهد و آن انسانهای سترگ و معلمان بزرگ بشریت را برای خود الگو و اسوه قرار دهد. و سیره و روش آنان را معیار زیست فردی و زندگی اجتماعی و روش رابطه با انسانهای دیگر قرار دهد.

بررسی و ژرفنگری در سیره و روش زندگی انسانهای راستین و پیشوایان واقعی، روشنگر تاریخکارهای زندگی است، و سرشار از بیم و نگرانی امروز جوامع بشری و انسانهای جستجوگر است. از این رو مریبان و اندیشمندان به این شیوه دست مییازند و با یادآوری سرشتها و ویژگیهای رفتاری انسانهای نمونه، جامعهها و نسلا را به راهی روشن، رهنمون میشوند. و مینگریم که در کتاب آسمانی و منشور هدایت انسانی، برای تربیت و راهنمایی انسان این روش به کار رفته است؛ و با برشمردن ویژگیهای رفتاری و عملی انسانهای نمونه، تابلوهایی نمونه از انسانهایی تکامل یافته را در برابر دید انسانها قرار داده است.

خداوند در قرآن کریم، پیامبر بزرگ ابراهیم(ع) را بردبار و شکیبادر برابر مشکلات و درد آشنا و فرمانبر دستورات خویش میخواند:

إِنَّ اِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ (سوره هود / ۷۵): بیگمان ابراهیم بردبار دردمند فرمانبردار بود. انسان دوستی و سختکوشی - برای نجات انسان - پیامبر بزرگ اسلام نیز چنین تصویر شده است:

طه \* مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى (سوره طه / ۱ و ۲): ای پیامبر، ما قرآن را از آن جهت بر تو

نازل نکردیم که به رنج افتی.

همگامی و همدردی با مردم و مردم باوری راستین پیامبر (ص)، بدین سان روشن گشته است: لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ، عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ، حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ، بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ (سوره توبه / ۱۲۸) هر آینه فرستاده‌های از خود شما نزد شما آمد که رنج کشیدنتان بر او سخت است و بر (گرویدن) شما (به اسلام) حریص است، و به مؤمنان رؤوف و مهربان است. تا زمامداران خودسر و خودخواه، اندکی به مردم بیندیشند. و آسایش آنان را نیز در نظر داشته باشند.

نیز قرآن، پیامبر (ص): را الگو و نمونه‌های برای انسانها - بویژه سرپرستان اجتماعی - معرفی میکند.

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (سوره احزاب / ۲۱): بی گمان رسول خدا برای شما نمونه نیکویی است، برای هر کس که امید به خدا و روز پاداش دارد و بسیار خدا را یاد میکند.

اینگونه است که یکی از منابع شناخت از نظر اسلام، سیره انبیاء و پیشوایان الهی و رهبران دینی است؛ از شخص پیامبر اکرم گرفته تا امامان بزرگ (ع) و همین اصل بازگویی سیره و راه و روش معصومان را موجب گشته است. افزون بر (آموزشها و سخنان ایشان، شخصیت و رفتارشان، یعنی سیره و روش زندگی آنان سرچشمهای جوشان برای شناخت و الگویی است برای رفتار فردی و اجتماعی جامعه اسلامی است.

انسان برای رسیدن به کمال و زندگی انسانی و جامعه آرمانی، باید از وجود پیشوایان راستین بهره گیرد؛ هم در گفتار و سخن و هم در رفتار و عمل؛ و شیوه و روش زندگی خویش را به شیوه و روش زندگی آنان نزدیک سازد. و امام علی بن موسی الرضا (ع) از بهترین الگوها برای انسانها و جامعه‌های انسانی است؛ در رفتارهای فردی و اجتماعی، و سرشتهای انسانی و خصلتهای الهی، مهرورزی و دیگر دوستی و... این امام بزرگ و پیشوای سترگ، همواره در طول تاریخ، الگوی انسانها بوده و اکنون نیز چنین است. سخنان امام رضا (ع) و سیره و روش زندگی ایشان بهترین سرمشق و الگوی رفتاری است برای تمامی بشریت در تمامی روزها و روزگاران. این است گوشه‌های از راه و روش این پیشوای بزرگ انسانها، تا شاید اندکی ما را راه نماید و سرشتهای انسانی و اخلاق

الهی را در ما زنده کند.

### میلاذ

یازدهم ذی القعدة سال ۱۴۸ هجری قمری، در شهر مدینه منوره و در خاندان پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) ایشان، و چندی پس از شهادت امام صادق (ع)، نوری درخشید و فرزندى پای به گیتی نهاد. وی را آنگونه که در روایات نبوی آمده بود و خداوند چنین خواسته بود «علی» نامیدند. لقبش را «رضا» گذاشتند. به رسم اعراب کنیه ایشان «ابوالحسن» گشت. و دیگر القاب ایشان «عالم آل محمد»، «امام رئوف»، «شمس الشموس» و «معین الضعفاء» است.

پدر ایشان امام موسی کاظم (ع)، امام هفتم شیعیان و مادرشان بانویی بزرگوار و خردمند به نام (تکتم) یا (نجمه) بود. ایشان در مدینه رشد یافت و با تعالیم الهی پدر به بالاترین مراتب کمال انسانی رسید و آماده رسالتی بزرگ گشت. اخلاق نیکو، دانش فراگیر، ایمان و عبادت بسیار، دستگیری و جانبداری از بینوایان و ساده زیستی و... از ویژگی‌هایی بود که امام در سراسر زندگی داشت.

### امامت

پس از شهادت امام موسی کاظم (ع) به دست هارون الرشید عباسی، در روز ۲۵ رجب سال ۱۸۳ هجری قمری، امامت و رهبری جامعه اسلامی و هدایت جامعه بشری را به عهده گرفت.

### سرشتهای انسانی

امام رضا (ع) به عنوان الگوی کاملی برای انسانها - چه در دوران زندگی و حیات خویش، و چه برای مردمان پس از خود - دارای ویژگیها و سرشتهایی بودند که همگان را از دوست و دشمن به شگفتی وا میداشت؛ و انسانها را شیفته خود میساخت. بدانگونه که همواره زبان به ستایش او میگشودند و از بزرگیها و رفتارهای انسانی او سخن میگفتند. امام در سخنان خویش نیز مردمان را به رفتارها و خصلتهای انسانی فرامی خواند، دوستی و مهربانی نسبت به یکدیگر را آموزش میداد و به یاری یکدیگر شتافتن را توصیه می کرد، و سخن ناشایست نگفتن را به همگان می آموخت.

امام رضا (ع) به نقل از پیامبر (ص): «اوج خردمندی - پس از ایمان به خدا - دوستی با مردم و نیکوکاری نسبت به هر (انسان) نیکوکار و بدکاری است. (عیون اخبار الرضا (ع) ۳۵/۲)

امام رضا (ع): هر کس مشکلی از مومنی را بر طرف نماید و او را خوشحال سازد، خداوند او را در

روز قیامت خوشحال و راضی میگردانند. (وسائل الشیعه ۳۷۲/۱۶)

رفتار انسانی با همهٔ مردم آیین رضوی است. مردمان چه نیکوکار باشند و متعهد، و چه تبهکار باشند و بی تعهد، باید با همه رفتاری انسانی داشت. و برای برطرف ساختن مشکل آنان کوشید و آحاد جامعه را چونان پیکری واحد دانست و بر اساس انسانیت خود با همگان رفتاری انسانی داشت. امام خود نیز تجسم این سخنان بود و جامعه اسلامی را از انسانیت خویش سرشار میساخت و چون آموزگاری بزرگ در میان مردم زیست.

هیچ گاه کلمه‌ای به زبان کسی نمی‌گفت.

با سخن خویش، دیگران را نمی‌آزرد و رنجیده نمی‌ساخت.

سخن کسی را پیش از پایان آن، قطع نمی‌کرد.

همیشه چهره‌ای خندان داشت.

هرگز با صدای بلند و با قهقهه نمی‌خندید.

نیاز کسی را که می‌توانست بر آورد، بر آورده می‌ساخت.

هیچ گاه نزد کسی که در حضور او نشسته بود، پایش را دراز نمی‌کرد.

بر تکیه گاهی در برابر افراد تکیه نمی‌داد.

به دوستان و کارکنانش، هرگز سخنی ناشایست نمی‌گفت.

چنان بود که هر وقت به خلوت می‌رفت و سفره غذایی را می‌گسטרند، همه کارکنان و

خدمتگزاران را بر سفره می‌نشاند، حتی دربانان و مهتران را و با آنان بر سر یک سفره می‌نشست

و غذا می‌خورد.

بسیار نیکی می‌کرد و بسیار صدقه می‌داد.

از بینوایان دستگیری می‌کرد و به نیازمندان کمک می‌نمود. این کار را بیشتر در شب‌های

تاریک و به دور از چشم دیگران انجام می‌داد.

به عیادت بیماران می‌رفت.

در تشییع جنازه‌ها شرکت می‌جست.

از مهمانان خود، شخصا پذیرایی می‌کرد.

وقتی بر سر سفره‌ای می‌رسید، اجازه نمی‌داد تا به احترام او از جای برخیزند.

به پاکیزگی بدن، موی سر و پوشاک خود بسیار توجه داشت.

بسیار بردبار و صبور و شکیبا بود.

این خصلتها و اخلاقیهای انسانی امام در تمامی زندگی ایشان دیده میشود و با دوست و دشمن چنین بودند. و این سرشته‌ها دشمنان ایشان را تحت تاثیر قرار میداد و آنان را به فروتنی در برابر ایشان وادار میکرد.

مأمون در پاسخ به اعتراض عباسیان به ولایتعهدی امام میگوید: درباره این که گفتید، مأمون در بیعت خود، با ابی الحسن الرضا (ع) به تشیع گراییده است، به راستی مأمون به بیعت او اقدام نکرد؛ مگر اینکه در امر او آگاه و بینا بود؛ و میدانست در روی زمین کسی نیست که فضیلتش از او آشکارتر، پاکدامنیاش از او نمایانتر، و پرهیزکاریاش از او زیادتر، و زهد و پارسایی او، در دنیا از او بیشتر باشد؛ و نیز از او وارسته‌تر، و در میان خاص و عام، پسندیده‌تر، و در اجرای او امر و نواهی از او سختتر باشد. (بحار الانوار ۲۱۱/۴۹)

این اعتراف دشمنی است که به شهادت امام بزرگ دست زد، و آنگاه که امام را در کلام و عمل سرآمد همگان دید و شاهد بود که هر آنچه را امام بیان میکرد، خود بدانگونه میزیست و گفتار و رفتار او همسان بود، دیگر نمیتوانست چنین اعترافی نکند.

#### مهماننوازی

یکی از سرشته‌های انسانی و خصلتهای نیکوی بزرگان، مهماننوازی است. در آیین اسلامی کسی مومن است که مهمانش را گرمی بدارد. روش و شیوه بر خورد و رسیدگی به مهمان نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مهمان نوازی از اخلاق و خصلتهای نیک شمرده‌است. مهمان برکت است و حضورش باعث افزایش نعمت. امام رضا (ع) هنگامی که مهمانی برایشان وارد میشد، با او بر خوردی بسیار انسانی و عاطفی داشتند؛ و نه تنها از او پذیرایی میکردند، بلکه نیازهای او را نیز بر طرف میساختند؛ و چنان با محبت با او برخورد میکردند و او را گرمی میداشتند، که مهمان به خود میبالید و این را مایه افتخار برای خویش میدانست.

«احمد بن محمد بن ابی نصر بزندی» که از بزرگان اصحاب امام رضا علیه السلام است، میگوید:

امام رضا (ع) برای من مرکبی فرستاد. من بر آن سوار شدم و به خدمت ایشان رفتم، و تا شب هنگام در خدمت امام (ع) بودم. آنگاه که امام میخواست بر خیزد، به من فرمود: «نمیبینم که

بتوانی راهی مدینه شوی». گفتیم: آری، فدایت شوم. فرمود: «پس امشب را نزد ما بمان و سپیده دمان راه را در پیش گیر و برو». گفتیم: فدایت شوم، چنین میکنم. پس به خدمتکار خود فرمود: «رختخواب مرا برای او بگستران، و روانداز مرا بر رویش بیافکن و بالش مرا زیر سرش بگذار... (عیون اخبار الرضا (ع) ۲/۲۱۲)

بر خورد امام با میهمان اینگونه است که حتی رختخواب خویش را برای او میگستراند. و یا در بر خوردی بسیار زیبا با مهمانی دیگر، به دستوری بزرگ اشاره میکنند، که همیشه شایسته است راحتی و آسایش مهمان را در نظر گرفت و از او انتظار کار و خدمتی نداشت:

میهمانی بر حضرت رضا (ع) وارد شد، و تا پاسی از شب، نزد آن حضرت نشست بود و سخن میگفت، در این میان چراغ رو به خاموشی گذاشت. مرد مهمان دست دراز کرد تا آن را روبهراه کند، امام (ع) او را از این کار بازداشت، و خود به درست کردن چراغ پرداخت، و سپس فرمود: «إِنَّا قَوْمٌ لَا نَسْتَحْدِمُ أَضْيَافَنَا: ما گروهی هستیم که هرگز مهمان را به کار و امیداریم». (بحار الانوار ۱۰۲/۴۹)

امام در سخنی به نقل از پیامبر گرامی یکی از حقوق میهمان را چنین بر می‌شمارند:

«مِنْ حَقِّ الضَّيْفِ أَنْ تَمْشِيَ مَعَهُ فَتَخْرُجَهُ مِنْ حَرِيمِكَ إِلَى الْبَابِ: از جمله حقوق مهمان بر تو

آن است که (هنگام رفتنش) او را تا دم در همراهی کنی» (عیون اخبار الرضا ۲/۷۰)

آراستگی و نظافت

آراستگی، نظافت و تمیزی را همه میپسندند و همه انسانها به زیبایی و پاکیزگی گرایش دارند. این موضوع در تعالیم اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا بدانجا که پیامبر گرامی نظافت را جزئی از ایمان دانسته‌اند:

النَّظَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ: پاکیزگی نشانه ایمان است. (نهج الفصاحه / ۷۹۰)

در نگاه اسلامی انسانها باید در عین سادگی و به دور از اشرافیگری، پاکیزگی و آراستگی ظاهری را رعایت کنند و افراد در جامعه اسلامی از سیمایی زیبا و دلپذیر برخوردار باشند. در نگاه امام رضا (ع) نیز بهداشت و نظافت اهمیت ویژه‌ای دارد، و کثیفی و پلیدی، زشت و نکوهیده شمرده شده است. امام در روایتی چنین میفرماید:

أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُحِبُّ الْجَمَالَ وَالتَّجَمُّلَ وَيُبْغِضُ الْبُؤْسَ وَالتَّبَاؤُسَ وَأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُبْغِضُ

مِنَ الرَّجَالِ الْقَادُورَةِ... خداوند متعال زیبایی و آراستگی را دوست دارد، و بیچارگی و بیچاره‌نمایی را دشمن میدارد، و خدای بزرگ مردم ژولیده و کثیف را دشمن میدارد... (فقه الرضا (ع) ۳۵۴/۱)  
 باید توجه داشت آراسته بودن و نظافت‌نیازی به تجملگرایی و اشرافیگری ندارد؛ انسان میتواند زیبا و آراسته باشد اما اهل تجمل و اسراف نباشد. و نیز ژنده پوشی و سیمایی ناخوش آیند داشتن و نازیبا بودن به عنوان زهد و ساده‌زیستی در نگاه اسلامی نکوهیده است. امام رضا (ع) همیشه با ظاهری آراسته و زیبا در میان مردمان ظاهر میشد و همگان از دیدن ایشان لذت میبردند. و هرگاه در خلوت خویش به سر میبرد، زهد میورزید و بر خود سخت می‌گرفت.

ابن عبّاد گوید: امام رضا (ع) در تابستان به روی حصیر و در زمستان به روی پلاس می‌نشست، و جامه خشن می‌پوشید، و هنگامی که در میان مردم ظاهر می‌شد، خود را می‌آراست. (عیون اخبار الرضا (ع) ۱۷۸/۲)

این همان صفات اولیای خداست که ظاهر خود را برای شادی انسانها در جامعه می‌آریند و با سیمایی دلپذیر در جامعه حاضر میشوند و شکوه ظاهری جامعه اسلامی را در حدی که به اشرافیت و طاغوتگرایی نیانجامد حفظ می‌کردند.

علاوه بر آراستگی ظاهری و پاکیزگی، ایشان همیشه خشبو و معطر در جامعه حاضر میشدند. عطر و بوی خوش برای انسان در عبادت، و در خانواده و در جامعه تکلیفی است انسانی و اخلاقی، که امام رضا (ع) بر آن تاکید فرموده است.

امام رضا (ع): لَا يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يَدَعَ الطَّيِّبَ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ فَيَوْمٌ وَيَوْمٌ لَا فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَيَوْمٌ وَلَا يَدَعُ ذَلِكَ - امام رضا (ع): شایسته نیست که انسان هر روز عطر نزند. اگر هر روز نتوانست روز در میان، و اگر نتوانست در هر جمعه، و این (اندازه) را ترک نکند. (کافی ۵۱۰/۶)

در خانواده نیز که جامعه کوچک است این تکلیف باید انجام شود، و با استفاده از عطر و بوی خوش خاطر همسر و دیگر اعضای خانواده خرسند گردد، و روابط خانوادگی استوارتر شود. همچنین انسان باید علاوه بر بوی خوش، خود را برای همسر خویش بیاراید. آراستگی در خانه و در حضور خانواده بسیار ضروری است، و باعث میشود همگرایی و دوستیها در کانون خانواده استوارتر گردد و جاذبهها ژرفتر و افزونتر شود. و نیز زمینه پاکدامنی در خانواده بیشتر فراهم گردد.

این ویژگی و این رفتار از خصلت‌های برجسته امام رضا (ع) بشمار میرود که ایشان در جمع و حضور خانواده نیز همیشه آراسته و پاکیزه بودند.

ابن جهم می‌گوید: نزد امام رضا (ع) رفتم و او موهایش را رنگ سیاه زده بود. گفتم: فدایت شوم، با رنگ سیاه موهایت را رنگ کردی؟ فرمود: «در رنگ آمیزی مو، پاداش است. رنگ کردن مو و آراستگی و آمادگی (با آراستن ظاهر) از چیزهایی است که پاکدامنی زنان را افزون می‌سازد؛ و زنان، پاکدامنی را رها کردند؛ چون همسرانشان خود را برای ایشان آماده نکردند». (مکارمالاخلاق / ۸۹)

عالم آل محمد یا داناترین مردمان

اسلام دین علم و علماآموزی است. خداوند سخن خویش را با پیامبر با "بخوان" آغاز کرد.

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (سوره علق آیه ۱)

بخوان به نام پروردگار خویش که آفرید

و به گستردگی و تاکید فراوان قرآن، کتاب آسمانی انسانها را به دانش اندوزی فراخوانده است. این اصل بسیار حیاتی و جاودانه در سخنان و سیره پیامبر و امامان شیعه همیشه جاری بوده است. پیشوایان ما به عنوان آگاهترین انسانها در تمامی دور آنها شناخته شده‌اند و همگان از عالمان و فرهیختگان به علم ایشان اعتراف کرده‌اند و تاریخ گواه این مسئله است که ایشان مورد مراجعه همه اندیشمندان و جستجوگران دانش قرار داشته‌اند.

در میان پیشوایان شیعه، امام رضا (ع) به عالم آل محمد معروف بوده‌اند. امام کاظم (ع) تمام فرزندان را به خدمت در نزد امام رضا (ع) و رجوع به آن حضرت در امور دینی توصیه میکنند و چنین می‌گویند:

هَذَا أُوْحُوْكُمْ عَلٰی بْنِ مُوسٰى الرَّضٰى عَالِمِ آلِ مُحَمَّدٍ فَسَلُوْهُ عَنْ اَدْبَانِكُمْ وَاَحْفَظُوْا مَا يَقُوْلُ لَكُمْ فَاِنِّىْ سَمِعْتُ اَبِيْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ غَيْرَ مَرَّةٍ يَقُوْلُ لِيْ اِنَّ عَالِمَ آلِ مُحَمَّدٍ لَفِيْ صُلْبِكَ وَاَلَيْتَنِىْ اُدْرِكْتَهُ فَاِنَّهُ سَمِيَّ امِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ - این برادر شما، علی بن موسی، عالم آل محمد (ص) است. از او درباره امور دینی خویش بپرسید و آنچه می‌گوید به خاطر بسپارید؛ زیرا از پدرم جعفر بن محمد (ع) شنیدم که به من فرمود: عالم آل محمد (ص) در صلب تو است و آرزوی من است که او را درک کنم؛ او امیرالمؤمنین نامیده میشود. (کشف الغمه / ۳۱۷/۲)

امام رضا (ع) چنان بود که همگان به آگاهی و علم در یاسان او اعتراف داشتند، و وی را عالمترین و دانشمندترین مردمان روزگار میدانستند و هیچ عالمی را بر وی برتری نمیدادند.

اباصلت هروی گوید: من از علی بن موسی الرضا (ع) دانشمندتر و عالم تر ندیدم؛ و هیچ عالمی او را دیدار نکرد، مگر این که همین را مانند من شهادت داد. از اینرو و مأمون گروهی از دانشمندان ادیان گوناگون و فقیهان و متکلمان اسلام را در جلساتی گرد آورد تا با امام به بحث و گفتگو بنشینند، لیکن همگی مغلوب علوم سرشار آن حضرت شدند؛ و به فضل و برتری او گواهی دادند. و در برابر دانش در یاسان امام به ناتوانی خویش اعتراف کردند. (بحار الانوار ۱۰۰/۴۹)

امام خود نیز به این امر اشاره میکند و از این حقیقت پرده برمیدارد:

من در حرم پیامبر خدا (ص) مینشستم؛ دانشمندان در مدینه زیاد بودند، چون یکی از آنها در مسئلهای ناتوان میشد، همگی به من اشاره میکردند و مسائل را نزد من میفرستادند، و پاسخ آنها را میدادم. (بحار الانوار ۱۰۰/۴۹)

امام رضا (ع) نه تنها در مدینه مرجع نهایی پاسخگویی به مسائل علمی بود، بلکه در تمامی سرزمینهای پهناور اسلامی مورد رجوع دانشمندان و فرهیختگان قرار داشت؛ و تودههای مردم نیز برای پرسشهای خویش به ایشام روی میآوردند، و اینگونه بود که در طول مسیر حرکت امام از مدینه تا مرو، امام رضا (ع) به هر کجا که گام مینهاد، مردمان به دور او گرد میآمدند و مسائل گوناگونی را از ایشان میپرسیدند و پاسخ میگرفتند. رجاء بن ضحاک که مأمون او را برای آوردن امام رضا (ع) به مرو، به مدینه فرستاده بود چنین میگوید:

به خدا سوگند، من مردی را در برابر خدا پرهیز گارتر از او ندیدم، همچنین کسی را ندیدم، که بیش از او، در تمام اوقاتش، به یاد خدا باشد. و بیشتر از او از خدا بترسد... آن حضرت در هیچ شهری وارد نمیشد، مگر این که مردم از هر سو به او رو میآوردند، و مسائل دین را از آن امام (ع) میپرسیدند، و آن حضرت نیز به آنان پاسخ میدادند، و حکمتهای بسیاری برای آنها از پدرانش، از امام علی (ع) و از پیامبر خدا بازگو میکرد. هنگامی که از این سفر باز گشتم و نزد مأمون رفتم، از چگونگی حال آن حضرت در طول راه پرسیدم، او را از آنچه در شب و روز، و اوقات توقف و حرکت از آن امام دیده بودم آگاه کردم، مأمون گفت: آری، ای پسر ضحاک، این (علی بن موسی الرضا) بهترین و داناترین و عابدترین مردم روی زمین است. (عیون اخبار الرضا ۱۸۰/۲ - ۱۸۲)

یکی از بی نظیرترین اجتماعات مردمی در طول سفر امام، اجتماع مردم و عالمان و دانشمندان نیشابوری به گرد مرکب امام بود؛ آنجا که از امام خواستند روایتی برای آنان باز گوید، و امام چنین کرد. در تاریخ آمده است که: بیش از بیست هزار نفر قلم و دوات به دست سخنان امام را ثبت میکردند.

امام (ع) آنگونه بود که هر آنچه از او میپرسیدند، پاسخ میگفت و مسئلهای نبود که وی به آن آگاه نباشد و پرسشی نبود که وی به آن پاسخ نگوید.

ابراهیم بن عباس گوید: من ندیدم که از امام رضا (ع) پرسشی شود که او، آن را نداند؛ و داناتری از او، به آنچه تا زمانش بر روزگار گذشته است، ندیدم. مأمون با طرح مسائل بسیار و پرسش از هر چیزی، آن حضرت را می آزمود. و امام (ع) او را پاسخ می فرمود. در حالیکه تمامی پاسخ های آن حضرت از قرآن گرفته شده و از آن برخاسته بود. (عیون اخبار الرضا (ع) ۱۸۰/۲)

دانش امام چنان گسترده بود که انسانها را به شگفتی وامیداشت تا آنجا که برخی میپنداشتند و کنجکاو میگردند و چنین گمان برده بودند که ایشان از پیامبران الهی است.

سلیمان جعفری - شاگرد امام - میگوید: در خدمت امام رضا (ع) بودم، خانه ایشان از اصناف مردمان پر بود و هر یک، از آن حضرت پرسشهایی میکردند و پاسخهای مناسب میشنیدند. من چون این حال شگفت و این گستردگی علم و دانش شگفتآور را دیدم که از حدّ و توان بشر بیرون است؛ نگران شدم و با خود گفتم: شایسته این است که ایشان از پیامبران الهی باشند. در این هنگام آن حضرت شتابان رو به من کرد و فرمود: ای سلیمان، امامان همگی حلیم و بردبار و دانایند و مردم نادان ایشان را پیامبران میدانند و حال آنکه پیغمبر نیستند. (مناقب آل ابی طالب ۳۶۳/۴)

امام رضا (ع) به تمامی لغات و زبانهای مردمان و ملتها آگاهی داشتند و هر قومی را به زبان و گویش خودش راهنمایی میکردند و با آنان سخن میگفتند. آری امام با زبان پارسی، هندی، ترکی و رومی و... سخن میگفتند و این نیز همگان را به شگفت و امیداشت که ایشان چگونه به تمامی لغات و زبانها آگاه است و با هر کس به زبان خود او سخن میگوید.

اباصلت هر وی خدمتگزار و یار امام میگوید: علی بن موسی الرضا (ع) با مردمان به لغات و زبان های ایشان سخن می گفت. به خدا سوگند، امام رضا (ع) فصیح ترین و داناترین مردمان بود به هر زبانی و هر لغتی. روزی به آن حضرت گفتم: از معرفت و آگاهی شما به هر زبان و لغتی در شگفتم!

امام فرمود: اباصلت، من حجت خداوند بر خلق او هستم و نمی‌شود که کسی حجت خدا بر مردمان باشد، لیکن بر لغات و زبان‌های ایشان آگاه نباشد. (مناقب آل ابی طالب ۴/۳۶۲)

اینگونه بود که توجه مردم و علما و اندیشمندان به امام بود و این خواست خلیفه نبود. امام رضا (ع) در مجموعه گفتمانهای خود با متفکران مذاهب و مکاتب، تمامی نقشه‌های مأمون را نقش بر آب کرد، و جویندگان راستین علوم الهی را آگاه ساخت که علوم حقیقی را از درس آموزان مدرس و وحی بیاموزند.

آنچه در مرو اتفاق افتاد و مأمون، خلیفه عباسی در نظر داشت که که علم امام رضا (ع) را زیر سؤال ببرد؛ از اینرو بزرگان مذاهب و ادیان و دانشمندان و فیلسوفان و متکلمان بزرگ را گرد آورد تا با امام مناظره و گفت و گو کنند. به گمان این که امام (ع) در پاسخ آنها در خواهد ماند و از گرایش توده‌ها به او کاسته خواهد گشت.

حسن بن محمد نوفلی هاشمی گوید: آنگاه که امام رضا (ع) به مرو وارد شد، مأمون به وزیر خویش، فضل بن سهل گفت تا بزرگان ادیان و اندیشمندان روزگار را گرد آورد تا با امام به بحث و گفت و گو بنشینند. فضل بن سهل چنین کرد و جاثلیق - بزرگ مسیحیان - و رأس الجالوت - بزرگ قوم یهود - و رؤسای صائبین - ستاره پرستان - و هُربُد اکبر - بزرگ زرتشتیان - و فیلسوفان و متکلمان و... را فرا خواند و در مجلسی گرد آورد. مأمون به فضل بن سهل آفرین گفت و او را تشویق کرد؛ و به این عالمان و دانشمندان و فیلسوفان و... گفت: من شما را برای آن گرد آورده‌ام، تا با پسر عموی من - امام رضا (ع) - که از مدینه بر من وارد شده است، مناظره کنید. پس صبحگاهان همگی نزد من حاضر شوید و هیچ یک از شما سر باز نزنید.

حسن بن محمد نوفلی گوید: ما در خدمت امام ابو الحسن الرضا (ع) بودیم، که ناگهان یاسر خادم وارد شد و گفت: ای سید و آقای من، خلیفه به شما سلام میرساند و چنین پیام داده است که: برادرت فدایت شود، فرهیختگان و اندیشمندان و رهبران ادیان و متکلمان و... از تمامی ملت‌ها در اینجا گرد آمدند، اگر دوست میداری با آنان گفت و گو کنی، صبحگاهان نزد من آی و اگر دشوار می‌باشد به خود سختی مده، ما نزد تو می‌آییم و این برای ما آسان است.

حضرت فرمود: به مأمون بگو من خواسته‌تو را میدانم، و صبحگاهان در مجلس تو حاضر میشوم. نوفلی گوید: چون یاسر خادم رفت، حضرت روی به من کرد و گفت: از اینکه مأمون اینان -

دانشمندان و بزرگان فرق و مذاهب و ادیان و... - را چنین گرد آورده است به نظرت چه میرسد؟  
گفتم: فدایت شوم، میخواید شما را امتحان کند و دوست دارد میزان علم و دانشتان را بفهمد  
اما به خدا سوگند، روش بدی را در پیش گرفته است.

امام رضا (ع) فرمود: روش او چیست؟

عرض کردم: اصحاب کلام و مجادله بر خلاف علما میباشند، آنها اهل انکار هستند و اگر  
برای آنها دلیل بیاوری که خداوند متعال واحد است، میگویند ثابت کن و همچنین اگر بگویی  
محمد (ص) رسول خداست میگوید رسالت او را ثابت کن. و تا آنجا چنین میگویند تا شخص  
سرگردان شود و هر چه با حجت و دلیل، گفته آنها را باطل کنی، مغالطه میکنند تا بدان جا که  
شخص از گفته خود دست بردارد. پس فدایت شوم، از آنها دوری کن.

حضرت لبخندی زد و فرمود: ای نوفلی! آیا میترسی که دلایل مرا باطل کنند؟

عرض کردم: نه به خدا سوگند، من هرگز چنین گمانی درباره شما نمیبرم. امیدوارم حق تعالی  
شما را بر آنها پیروز گرداند.

امام فرمود: ای نوفلی! آیا دوست داری بدانی مأمون چه وقت از عمل خویش پشیمان میشود؟  
عرض کردم: بلی.

امام فرمود: آنگاه که دلایل مرا در برابر اهل تورات با توراتشان و در برابر انجیل باوران با انجیلشان  
و در برابر اهل زبور با زبورشان و با ستاره پرستان با منطق خودشان و با زرتشتیان با زبان فارسی  
و با رومیها با زبان رومی و... بشنود. پس آنگاه که دهان هر گروهی را ببندم (و پاسخ استواری به  
آنان بدهم) و نادرستی دلایل آنها را آشکار سازم و هر یک از گفته خویش دست بردارند و گفته  
مرا بپذیرند؛ در آن وقت مأمون آگاه میشود که آنچه در سر داشته است پوچ بوده است و هرگز به  
مقصود خویش دست نیافته است. آنگاه است که پشیمان میشود.

سپیدهدمان فرار رسید و همگان از امیران لشکر و بنی هاشم و مردم و... در مجلس مأمون  
گرد آمدند. آنگاه حضرت وضو گرفت و شربتی آشامید و به مجلس وارد شد و با مأمون به گفتگو  
پرداخت تا آنگاه که مأمون رو به جاثلیق کرد و گفت: ای جاثلیق! این پسر عم من، علی بن موسی  
بن جعفر (ع) است و از فرزندان فاطمه (س) دختر پیامبر ما و علی بن ابی طالب (ع) است که  
من دوست دارم با او به گفتگو و مناظره بپردازم و با انصاف رفتار کنی... (عیون اخبار الرضا (ع)

(۱۵۴/۱)

این مناظره‌ها و گفتوگوها ادامه یافت تا آنجا که امام هر یک از دانشمندان و فیلسوفان و متکلمان و بزرگان ادیان و... را با برهان و دلیل قانع ساخت و مطلب را برای همگان آشکار کرد و هر یک از آنها گفته‌های امام را پذیرفتند و دست از دلایل و عقیده خویش برداشتند.

امام رضا (ع) آن هنگام که در مقام مناظره و رویارویی علمی و فرهنگی با عالمان و اندیشمندان گروه‌های مختلف و نمایندگان مکاتب قرار می‌گیرند، با همان مهربانی و اخلاق‌های انسانی، با کمال احترام به یکایک پرسش‌ها، شبهات و مسائل آنان پاسخ می‌دهند و از هیچ رویارویی علمی روی بر نمی‌تابند و از طرح هیچ شبهه‌ای از سوی مناظره‌کنندگان دغدغه‌ای به خود راه نمی‌دهند و به این گونه، معنای امام و راهنما بودن را در فرهنگ اسلامی بر جهانیان نمایان می‌سازند.

امام رضا (ع) در این مناظرات و گفتوگوها با رعایت اصولی که باید در یک مناظره و گفتوگوی علمی رعایت شود؛ به جامعه اسلامی و عالمان و اندیشمندان و شیعیان و پیروان خویش روش و متد صحیح در مناظرات علمی را یادآور میشوند. اکنون به چند اصل در این مناظرات اشاره می‌کنیم:

۱- صبر، حلم و بردباری: امام در این مناظرات با صبر و گشاده‌دلی با مخالفان روبه‌رو میشوند و گاه برخی از این گفتوگوها چندین ساعت به طول میانجامید. امام در تمام این مدت صبورانه به گفتوگوها ادامه می‌دادند.

۲- رعایت انصاف: امام در تمامی این جلسات و در جای جای گفتوگوها انصاف را رعایت می‌کردند و از طرف مقابل نیز درخواست می‌کردند که انصاف را رعایت کند. پس در مناظره با هر کسی که باشد، در هر طبقه‌ای و با هر مذهب و مکتبی که باشد، باید رعایت انصاف را راهنمای خویش قرار داده و از گفتارهای تعصبی و مخالف با انصاف، به طور کامل پرهیز کرد.

۳- در مناظره علمی باید مناظره‌کننده احاطه و تسلط کامل بر باورها و اعتقادات خویش و طرف مقابل داشته باشد و با منابع علمی و کتابها و مأخذ اعتقادی به طور کامل آشنا باشد. آنچنان که امام رضا (ع) با هر عالمی که مناظره می‌کردند با او از کتابها و منابع خود آنها بهره می‌گرفتند.

۴- در مناظره نباید سخن طرف مقابل را ناتمام قطع کرد، بلکه باید فرصت داد شخص منتقد، انتقاد و اشکالش را به طور کامل بیان کند، آنگاه پاسخ او داده شود؛ همانگونه که امام رضا (ع)

هیچگاه در هیچ مجلسی سخن کسی را قطع نمیکرد.

۵- مناظرات علمی باید در جمع اندیشمندان و مردم برگزار شود تا نظریه حق و صحیح و قابل دفاع، به عنوان یک باور صحیح مورد تأیید دیگران قرار گیرد و مانع ترویج عقاید باطل و غیر قابل دفاع شویم. همانگونه که در مناظرات امام (ع) با اندیشمندان، حضور مردم و عالمان رعایت شد.

در پیشگاه خداوند

بهترین الگو و شایسته‌ترین انسانها برای درک حقیقت عبادت و عبودیت خداوند، اولیای الهی و پیشوایان راستین هستند. سیره و روش امام رضا (ع) نیز بهترین الگو و سرمشق برای پرستش و عبادت خداوند است. شب زنده‌دار یها، سجده‌های طولانی، نمازهای اول وقت، روزه داری و... امام به ما می‌آموزد که باید در عبادت خداوند چگونه بکوشیم. امام رضا (ع) نیمه شب را بهترین زمان برای عبادت خداوند میدانست و با شب زنده داری در دل تاریکی شب به راز و نیاز میپرداخت.

ابراهیم بن عباس میگوید: كَانَ قَلِيلَ النَّوْمِ بِاللَّيْلِ كَثِيرَ السَّهْرِ يُحْيِي أَكْثَرَ لَيَالِيهِ مِنْ أَوْلَاهَا إِلَى الصُّبْحِ - امام (ع) شبها بسیار کم میخوابید، و شب زنده داری میکرد؛ بسیاری از شبها را از اول شب تا به صبح احیاء داشت. (عیون اخبار الرضا (ع) ۱۸۴/۲)

یکی از جلوه‌های زیبا و قابل توجه زندگی عبادی امام رضا (ع) سجده‌های طولانی ایشان است. سجده‌هایی که فراتر از عبادتهای واجب است و نشان دهنده اظهار عبودیت و بندگی امام در برابر خداوند است.

صولی می گوید: از جده‌ام پرسیدند که درباره رفتار حضرت رضا (ع) سخنی بگوید. جده من که زنی بسیار عاقل و سخاوتمند بود گفت: حضرت رضا (ع) که همیشه نمازشان را در اول وقت می خواندند وقتی نماز صبحشان تمام می شد به سجده میرفتند و سر مبارک خویش را بر نمی داشتند تا بالا آمدن آفتاب. و آن حضرت در این مدت به ذکر خدای تعالی مشغول بودند. (عیون اخبار الرضا (ع) ۴۲۲/۲)

همچنین اباصلت گوید: امام رضا (ع) را دیدم که به سجده رفت و پانصد مرتبه در یک سجده «سبحان الله» گفت. (عیون اخبار الرضا (ع) ۳۰/۱)

امام رضا (ع) علاقه ویژه‌ای به روزه داری داشت، از این رو در طول سال روزه‌های مستحبی بسیاری میگرفت.

ابراهیم بن عباس میگوید: كَانَ كَثِيرَ الصَّيَامِ فَلَا يَفُوتُهُ صِيَامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الشَّهْرِ وَيَقُولُ ذَلِكَ صَوْمُ الدَّهْرِ - امام بسیار روزه می‌گرفت، روزهای اول و وسط و آخر ماه را هرگز از دست نמידاد، و می‌فرمود: روزه گرفتن در این سه روز برابری میکند با روزه سال. (عیون اخبار الرضا (ع) ۱/۱۹۸)

نماز، رکن اساسی دین است و ستون خیمه اسلام و معراج مؤمنان. نماز زمینه شکوفایی راستی و درستی است و بازدارنده از کثی و نادرستی است. نماز آرامش، سکون، و امنیت روانی را پدید می‌آورد و زمینه زدودن هر گونه دلهره، بیم و نگرانی است. از این رو در تعالیم اسلامی از اهمیت نماز و نقش حیاتی آن بسیار سخن رفته است؛ و بر پاداری آن با آداب و شرایط ویژه، مورد تاکید قرار گرفته است و رعایت زمان مناسب و در اول وقت، لازم شمرده شده است؛ به ویژه به جماعت برگزار کردن آن. به خاطر اهمیت موضوع، پیشوایان ما در روش و سیره خویش به این امر توجه ویژه‌ای داشته‌اند، تا برای دیگران اهمیت نماز، نیک روشن شود. امام رضا (ع) نیز در سیره خود و در موارد بسیاری، اهمیت این موضوع را نشان دادند.

ابراهیم بن موسای قزار میگوید: روزی در خراسان در مسجد، در خدمت امام رضا (ع) بودم. بر چیزی که از آن حضرت می‌خواستم اصرار کردم. در این هنگام امام برای پیشواز یکی از جماعت طالبین بیرون رفت. در راه وقت نماز شد، و امام به جانب ساختمانی که در آنجا بود روی آورد و در زیر سخرهای که در نزدیکی آن ساختمان بود، فرود آمد. و تنها من در خدمت ایشان بودم. ایشان فرمود: اذان بگو. عرض کرد: منتظر باشید تا اصحاب به ما بپیوندند. امام فرمود: «عَفَرَ اللَّهُ لَكَ لَا تُؤَخِّرَنَّ صَلَاةً عَنْ أَوَّلِ وَقْتِهَا إِلَى آخِرِ وَقْتِهَا مِنْ غَيْرِ عَلَّةٍ عَلَيْكَ أَوَّلًا بِأَوَّلِ الْوَقْتِ - خداوند، تو را بیامرزد! هرگز نماز را از اول وقت آن، به آخر وقت آن، بدون علت به تاخیر می‌فکن، هیچگاه اول وقت را از دست مده». پس اذان گفتم و نماز خواندیم. (منتهی الآمال ۱/۱۶۵)

رویداد دیگر در زندگی آن امام بزرگ به ثبت رسیده است که اهمیت بسیار بالا و حیاتی نماز اول وقت را روشن می‌سازد. امام در آن روزها که مأمون جلسه گفتگو و مناظره تشکیل داده بود و امام (ع) را با عالمان بزرگ ادیان و مذاهب و مکاتب فلسفی به بحث واداشته بود و امام با عالمان مسیحی و متکلمان و فلسفه‌دانان به گفتگو می‌پرداخت. در هنگام مناظره با عمران صابی که از عالمان بزرگ و متکلمان به نام زمان بود، هنگام نماز رسید و در حالی که گفتگوی آنان با عمران صابی به نقاط حساس خود رسیده بود و عمران آماده پذیرش سخنان امام شده بود، امام گفت و

گو را رها کرد و به عمران فرمود: نماز میگزاریم و به گفتوگو باز میگردیم.

پس امام و مأمون از جای برخاستند. امام در داخل خانه نماز گزارد و مردم در بیرون، پشت سر محمد بن جعفر نماز گزارند. نماز که به پایان رسید، امام به مجلس بازگشتند و عمران صابی را خواستند و فرمودند، بپرس ای عمران. و به گفتگو ادامه دادند.

عمران همچنان پرسشهایش را مطرح کرد و امام پاسخ میدادند و پس از پاسخ میگفتند: (پاسخ سؤالت را) دریافتی؟ او پاسخ میگفت: آری ای مولای من، خوب فهمیدم. و در پایان این گفتوگو که به طول انجامید، عمران صابی به راه راست هدایت شد و شهادتین بگفت و رو به قبله به سجده افتاد و اسلام آورد و... (عیون اخبار الرضا (ع) ۱/۱۵۴)

این روش و سیره آن پیشوایان بزرگ انسانیت است که هر کاری را گر چه بسیار با اهمیت باشد، بر نماز اول وقت پیش نمیدارند؛ حتی در بزرگترین مجالس و مهمترین امور و کارها. با بینوایان و محرومان

همسان زیستی با محرومان و بینوایان یکی از ویژگیهای اساسی امام و حاکم در جامعه اسلامی است؛ و ره آوردهایی بسیار سازنده دارد. این امر مهم در تمامی راه و رسمهای پیامبران و امامان وجود داشته است؛ و در اسلام نیز از آغازین روزها به این امر توجه شده است؛ و پیامبر (ص) خود در کنار محرومان و پابرهنگان و بردگان بود و با آنان میزیست. پیامبر در کنار آنان بود؛ با آنان نشست و برخاست داشت؛ و همانند آنان زندگی میکرد. امامان ما نیز همگی چنین بودند و هیچ یک - چه بر مسند حاکمیت بودند و چه نبودند - بر خلاف این سیره و روش گامی بر نداشتند؛ بلکه همانند پایینترین طبقات مردم زندگی میکردند.

امام رضا (ع) نیز در دوران زندگی همانند پدران خویش، همراه با بینوایان و تهیدستان بود و همانند آنان میزیست و از هر نوع تجمل و اشرافیگری دوری میگزید. امام با وجود اینکه به ولایتعهدی رسیده بوده بر خلاف روشهای معمول و مرسوم در دستگاه خلافت به شیوه پدران خویش میزیست و با رفتار خود بر شیوه زندگی مأمون، خط بطلان میکشید و اندیشههای غیر اسلامی او را آشکار میساخت. امام علی بن موسی الرضا (ع) در جای جای سخنان خود انسان مومن را عضوی از جامعه بزرگ انسانی میداند. جامعهای که در آن انسانها یا مسلمانند و برادران دینی؛ و یا غیر مسلمان و هم نوع. جامعهای که درد و رنج هر یک از احاد آن، درد و رنج انسان مومن

است و او خود را موظف میدانند تا فریادرس، ستمدیدگان باشد و دادرس دادخواهان؛ و در این راه از هیچ کوششی دریغ نوزد. بنی آدم را اعضای یکدیگر دانسته و درد و رنج هر یک از انسانها، او را نیز به درد آورد و حساسیت اجتماعی و عواطف انسانی را گسترش دهد.

امام رضا (ع): احسان و اطعام به مردم، و دادرسی از ستمدیده، و رسیدگی به حاجتمندان از بالاترین صفات پسندیده است. (بحار الانوار ۳۵۷/۷۸)

امام رضا (ع): خداوند توانمندان را مکلف کرده است تا برای (اداره) امور بیماران زمینگیر و دیگر مبتلایان قیام کنند... (عیون اخبار الرضا (ع) ۸۹/۲)

در فرهنگ الهی و انسانی اسلام، توجه به نیازمندان و برآوردن حاجت حاجتمندان از ارزش و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این امر تکلیف و وظیفه‌ایست بر آنان که توانمندند تا در یاری ناتوانان سبقت جویند. این امر مسابقتهاست که شرکت کنندگان در آن هر گامی که بر میدارند به خداوند بزرگ و پاداش الهی نزدیکتر گشته و در سایهٔ خشنودی خداوند قرار میگیرند. به همین دلیل است که پیامبر و امامان ما بیش از همگان به این مهم توجه داشته و در سیرهٔ و روش زندگی خویش چنین رفتار کرده‌اند.

امام رضا (ع): برترین صدقه و انفاق در راه خداوند، امداد و یاری ضعیفان است. (تحف العقول/۵۲۵)

امام رضا (ع) خود در این امر بر دیگران پیشی میگرفت؛ و در سیره و روش زندگی خود چنین رفتار میکرد. ایشان در دوران ولایتعهدی، مالی نیندوخت؛ و آنچه را در اختیار داشت به بینوایان و محرومان میبخشید و برای آخرت خود ذخیره میکرد.

امام (ع) در خراسان، همهٔ اموال خویش را در روز عرفه (میان مردم و نیازمندان) تقسیم کرد. (در این هنگام) فضل بن سهل عرض کرد که این کار زیان است. امام (ع) فرمود: بلکه این کار غنیمت و سود است. آنچه را برای دستیابی به پاداش الهی و کرامت انسانی بخشیدی، غرامت و زیان مشمار. (بحار الانوار ۱۰۰/۴۹)

این چنین است که به داد بینوایان و محرومان رسیدن کرامت انسانی و عملی الهی است. پس آنان که بر خلاف این رفتار میکنند و دم از کرامت انسانی و حقوق انسان میزنند، راهی درست نمیروند و مسئولیت خود را انجام نمیدهند.

امام رضا (ع) هر آنچه از نعمتها در اختیار داشت با بینوایان و تهیدستان تقسیم میکرد و آنان را در زندگی خویش شریک میساخت و همیشه به یاد آنان و در کنار آنان بود.

معمربن خلاد گوید: هنگامی که امام رضا (ع) غذای می خوردند، سینی می آوردند و نزدیک سفره می گذاشتند، او به بهترین غذایی که برایش می آوردند می نگرست، و از هر غذا مقداری را برمی داشت و در آن سینی می نهاد، سپس دستور می داد آن سینی غذا را برای بینوایان ببرند. (اصول کافی ۵۲/۴)

امام رضا (ع) در ظاهر و روابط اجتماعی نیز چنین بودند که هیچ تفاوت و تمایزی با مردمان و تودههای جامعه نداشت و در جایی که حضور مییافت شناخته نمیشد و هیچگاه تشریفات و همراهان و ملازمان به همراه نداشت و همانند شاهان رفتار نمیکرد. ایشان با شیوه و رفتار عملی خویش، اعمال و رفتار خلفا را باطل میساخت و مردم را آگاه میکرد که شیوه زندگی حاکمان اسلامی بدینگونه است؛ امام در برخورد با محرومان و بینوایان و امیران و صاحب منصبان هیچ تفاوت و تمایزی قائل نمیشد.

امام رضا (ع): آن کس که فقیر مسلمانی را ببیند و به او سلام کند بر خلاف سلام کردن به ثروتمند، در روز ستاخیز خدای بزرگ را خواهد دید که بر او خشمگین است. (بحار الانوار ۳۸/۷۲)

امام رضا (ع): هر کس مؤمنی را خوار کند، یا او را به سبب فقر و تنگدستی حقیر شمارد، خداوند او را در روز قیامت انگشت نما و رسوا خواهد کرد. (عیون اخبار الرضا (ع) ۳۳/۲)

امام با تودههای محروم بود و در کنار آنان؛ و چون از مردم فاصله نمیگرفت از مشکلات آنان با خبر میشد. و از دردها و رنجهای آنان آگاه میگردد و نیازهای آنان را میشناخت. بدین گونه امام بزرگ انسان، در دشنای تودههای محروم بود.

حرم و کرامت انسانی و اسایش و بینبازی آنان از جایگاه بلند و بیمانندی برخوردار بود، که نظیر آن دیده نشده است.

یاسر خدمتگزار امام میگوید: (در روزی که امام رضا (ع) «به دست خلیفه تبهکار عباسی» مسموم شده بود، و در همان روز و در اثر همان سم به شهادت رسید)، پس از اینکه نماز ظهر را گزارد، به من گفت: ای یاسر! مردم (اهل خانه و کارکنان و خدمتگزاران)، چیزی خوردند؟  
گفتم: آقای من! که میتواند غذا بخورد، با اینکه شما در چنین حالی هستید؟ (حال مسمومیت

شدید و واپسین لحظات زندگی)، در این هنگام امام(ع) راست نشست، سپس فرمود: سفره را بیاورید، و همگان را بر سر سفره فراخواند و کسی را فرو گذار نکرد، و یکایک را مورد محبت و مهر خویش قرار داد... هنگامی که همه غذا خوردند، امام بیهوش افتاد... (فرازهایی از سخنان امام رضا(ع)، دفتر نخست، ص ۹۵ به نقل از عیون اخبار الرضا(ع) ۴۱۰/۲)

احترام به مذاهب دیگر و پیروان آنان تا حدی وصف ناپذیر در دیدگاه امام اصالت و اهمیت داشت، که حقوق راستین بشر را به اثبات میرساند، که حتی پس از مرگ یک زردشتی (که به اسلام نگرائیده بوده است) اندیشه و خواسته و وصیت او را محترم می‌شمارد.

یاسر خدمتگزار امام میگوید: نامهای از نیشابور به مأمون رسید (به این مضمون): مردی مجوسی (زردشتی) هنگام مرگ وصیت کرده است، که مال زیادی را (از اموال او) میان بینوایان و تهیدستان تقسیم کنند. قاضی نیشابور آن اموال را میان مسلمانان تقسیم کرده است.

مأمون به امام رضا(ع) گفت: ای سرور من در این موضوع چه می‌گویی؟ امام فرمود: مجوسیان به بینوایان مسلمان چیزی نمیدهند. نامهای به قاضی نیشابور بنویس تا همان مقدار از مالیاتهای مسلمانان بر دارد و به بینوایان زردشتی بدهد. (فرازهایی از سخنان امام رضا(ع)، دفتر نخست، ص ۹۲ به نقل از: عیون اخبار الرضا(ع) ۱۵/۲؛ مسند الامام الرضا(ع) ۳۳۲/۲)

اکنون مقایسه کنید با حقوق بشر ادعایی غرب دروغزن، که با افکار و اندیشه‌های ناسازگار با سیاستهای سلطه طلبشان چگونه رفتار میکنند.

باری مأمون خلیفه مستکبر و مقامپرست عباسی، در برابر رفتار الهی و اسلامی امام رضا(ع) تاب نیاورد، و هر روز رسواتر میشد؛ و پایگاههای حکومتش لرزانتر میگردد. تا سرانجام به شهادت امام دست یازید، در حقیقت خود را در اندیشه انسانهای آزاده و در پیشگاه تاریخ به محاکمه کشید، و برای همه نابود ساخت. و امام و مکتب او پاینده و جاودان باقیماند.

سرانجام امام علی بن موسی الرضا(ع) پس از عمری نورانی و با برکت و سرشار از سرشت‌های انسانی در آخرین روز ماه صفر سال ۲۰۳ هجری قمری به دست مأمون خلیفه عباسی، مسموم گشت؛ و دعوت پروردگار خویش را لبیک گفت و به شهادت رسید.



بسم الله الرحمن الرحيم

التقديم :

إقامة مهرجان الإمام الرضا (ع) الدولي سنوياً من قبل وزارة الثقافة والإرثاء الإسلامي في داخل وخارج البلاد لمناسبة مولد حفيد الرسول الكريم محمد (ص) الإمام على بن موسى الرضا (ع) وكريهة أهل البيت السيدة فاطمة المعصومة (سلام الله عليها) و ذكرى السيد شاهجراغ (ع) في عشرة الكرامة المباركة (من الواحد حتى الحادى عشر من ذى القعدة). تحظى بأهمية كبيرة من هذه الجربة، لأنه سنوياً يرسى العلماء والباحثون والفنانون، ويختصم منتجو الأعمال الرضوية الفاضرة وذلك من خلال خلوه أعمال فاضرة و قيمة و ثمينه، الأرضية اللازمة لترويج الثقافة و السيرة و المعارف الرضوية بشكل أكثر فأكثر. بمساعدة المنظمات و المؤسسات التي تتمتع بعضوية المهرجان و أيضاً حماية و دعم كافة أطراف المجتمع و دعم الدولة الكريهة و عناية مجلس السورى الإسلامي، لاسيما أعضاء لجنة الثقافة بالمجلس و خاصة إرشادات المراجع العظام و العلماء الكبار في جو روهى عميق.

ألف : البرامج الموضوعية

البرامج الموضوعية المحددة في مهرجان الإمام الرضا (ع) الدولي، تستعمل على البرامج التي يتم قبولها و إستلامها من قبل دوائر الثقافة و الإرثاء الإسلامي و المنظمات و المؤسسات الذات عضوية، وذلك عن طريق الدعوة و إستلام الأعمال و إختيار الفائزين أيضاً، حيث و فى الوقت الراهن حوالى ٨٥ فرع من المهرجان يختص بالموضوعات العلمية و البحثية و الثقافية و الفنية و السينمائية و الصحفية و الرقية و الأطفال أيضاً، حيث قضية الإهتمام بالإرتقاء الكمي و الكيفى لهذه البرامج تضع فى إطار جبرود فريوه العمل الأخصائى و يباشراف المساعدية و المجالات الأخصائية التابعة لوزارة الثقافة و الإرثاء الإسلامية.

ب: الشؤون الدولية

تقام البرامج المحددة لخارج البلاد في مهرجان الإمام الرضا (ع) الدولي بالإستفادة من القدرات العلمية و الثقافية لمفكرى و علماء العالم و مشاركة محبى و عشاق الإمام

علی بن موسی الرضا (ع) فی أقصى نقاط العالم ، و ذلك بنسج علمی و بحثی و ثقافی و فنی أيضاً. هذا القسم يرتكز على منظمة الثقافة و العلاقات الإسلامية و مساعدة المؤسسات الثقافية المرتبطة بخارج البلاد. لاسيما المجمع العالمي للأهل البيت (عليهم السلام) و جامعة المصطفى العالمية و مركز مدارس خارج البلاد أيضاً.

ج : البرامج العامة

تنظيم البرامج العامة لمرحمان الإمام الرضا (ع) و ذلك من خلال إيجاد فرص معنوية في عشرة الكرامة المباركة في كافة أرجاء البلاد. لاسيما في المدن و القرى في إطار مرهبات شعبية بمشاركة كافة أطراف المجتمع و بتوقعات ١٧ فريو عمل من المؤسسات و المنظمات غير الحكومية و يتراف مجلس التنسيق لمرهبات عشرة الكرامة و بحورية لجنة المراكز الثقافية و الفنية العليا التابعة لمساجد البلاد و بمساعدة ٣٠ جهاز ثقافي مرتباً بالبلاد بصفة المسؤول التنفيذي لهذا التنظيم أيضاً.

د : تكريم الأئمة المبجلين و العتبات (البقاع) المقدمة

تعتبر ذكرى أولاد الأئمة كالأقطاب الثقافية للمجتمع، إحدى أهم المحاور الرئيسية لليوم الضامن من ذى القعدة في التقويم الثقافي للبلاد و في عشرة الكرامة المباركة أيضاً. حيث تقام سنوياً في جميع المحافظات و خلال السنوات الأخيرة، هذه المناسبة أخذت بنظر الإعتبار بشكل عالمي و في إطار المؤتمرات في جدول أعمال منظمة الأوقاف و الشؤون الخيرية في البلاد.

هـ : ذكرى مناسبة خطوات الإمام الرضا (عليه السلام)

إقامة إحتفالات ذكرى دخول الإمام الرضا (ع) من قبل الناس في خطوات مسير هجرة الإمام الرضا (ع) من السلمجة حتى مرو. و ذلك من خلال إعداد قوافل رمزية و مراسيم خاصة، من ضمنها برامج تم إضافتها بحضور مشاركة الناس بشكل واسع في المحافظات التي تقع على مسيرة هجرة و خطوات الإمام (ع).

و : أسابيع الثقافة الرضوية

تدقو ذكرى إسم الإمام الرضا (ع) طيلة السنة من خلال إقامة أسابيع الثقافة الرضوية

بهرف الإستفاده من التعاليم و الدروس الرضوية و بإيجاد مساهمة حيوية روحية على صعيد المجتمع ،يعتبر من ضمن البرامج السنوية لهذا المهرجان،حيث يقام فى عشرة الكرامة المباركة على صعيد كافة محافظات البلاد بواسطة دوائر الثقافة و الإرشاد الإسلامية العامة و الأجهزة المرتبطة بها أيضاً.

ز : الفائزين

إحدى الإنجازات الكبيرة لمهرجان الإمام الرضا (ع) الدولي هى التعرف على مبدعى الأعمال الثقافية الفاخرة و الفنية فى مجال الثقافة الرضوية ،حيث يتم إختيارها فى البرامج و المحافظات المختلفة من قبل لجنة الحكماء فى الفروع العلمية و الثقافية و الفنية و السينمائية و الصحفية و الرقمية، كما يتم تحديد الفائزين من الأول حتى الثالث، كما يتم تقديرهم خلال المراسيم الإختتمائية للبرامج الموضوعية لكل من المحافظات و الأجهزة المعنية أيضاً.

ح : خدام الثقافة الرضوية

إحدى برامج مراسيم إختتمائية مهرجان الإمام الرضا (ع) الدولي، هو الإعلان عن خدام الثقافة الرضوية و التى يتم تحديدهم و منحهم الأوسمة الرضوية من قبل لجنة إختيار خدام الثقافة الرضوية ،حيث يبلغ عددهم ١٦ شخص من الشخصيات العلمية و الثقافية و الفنية البارزة من داخل و خارج البلاد و الذين يتمتعون بخدمات متميزة فى مجال الثقافة الرضوية المقدرة .

ط : إفتتاحية و إختتمائية مهرجان الإمام الرضا (ع) الثقافى و الفنى

مهرجان الإمام الرضا (ع) الدولي يُفتتح فى عشرة الكرامة المباركة بالتزامن مع ميلاد السيدة فاطمة المعصومة (عليها السلام) فى مدينة قم المقدسة و بعد إجرائها فى ٢١ محافظة و نقاط واسعة من العالم، يتم إختتامه فى ليلة ميلاد الإمام الرضا (ع) الميمونة، و ذلك بحضور المسؤولين رفيعى المستوى و الأطباء المختلفة من المجتمع و الفائزين بمهرجان أهل الفن و الثقافة و تكريم خدام الثقافة الرضوية فى مدينة مشهد المقدسة أيضاً.

المنشورات :

إحدى البرامج المستمرة لمؤسسة الإمام الرضا (ع) الفنية و الثقافية و التي تنشط تحت إشراف وزارة الثقافة و الإرثاد الإسلامي ، هي نشر الإنتاجات البحثية لمرحان الإمام الرضا (ع) الدولي . ما تم تقديره من المطالب المكتوبة أعلاه ، هو نتيجة لجهود الكاتب الفاضل السيد محمد مهدي حكيمي ، حيث في هذا النص ، سعى و يأسراب من خلال نظرة عابرة ، أن يكون السيرة و النمط الرضوي عبرة و درس للذين يفكرون بالسعادة الدنيوية و الأخروية لأنفسهم و لمجتمعهم ، و يرون أن للإمام من الدروس الرضوية ضمان للجنة الخالدة و السرمدية أيضاً . لهذا علينا أن نتعرف على أبعاد حياة و شخصية الإمام على بن موسى الرضا (ع) و بضعة رسول الله (ع) بشكل أفضل .

المركز الدولي للإمام الرضا(ع) . - الثقافي و الفني

### ميلاد النور

ولد الرضا عليه السلام عام ١٤٨ الهجري في المدينة المنورة من سلالة خاتم النبوة و الرسالة. حبيب الإله محمد صلى الله عليه و آله و آله الطيبين المعصومين عليهم السلام فطلعت شمس وجوده بعيد شراة جده الإمام الصادق عليه السلام فتشعشت لمحائه في العوالم و الآفاق. سموه "عليا" حسب الروايات النبوية \_ و كان الله قد أراد ذلك من قبل و لقبوه ب"الرضا" و تكنى ب"أبي الحسن" حسب تقاليد العرب في التكني؛ و لخصته عليه السلام ألقاب آخر كعالم آل محمد و "غريب الغرباء" و "شمس السوس" و "معين الضعفاء".

والد حضرته الجليل هو الإمام موسى بن جعفر عليه السلام إمام الشيعة السابع و أمه المكرمة هي سيدة شريفة حكيمه تدعى (تكتم) أو (النجمة). ترعرع حضرته عليه السلام في المدينة و قد كان محيطا بجميع الكمالات الإنسانية قابلا لأن يكون محظا لذلك الأمر العظيم فإن أخلاقه الحسنه و علمه الواسع و الإيمان و كثرة العبادة كانت من جملة خصائصه التي تعد كخير دليل على إمامته و هجتيته.

### الإمامة

أخذ حضرته عليه السلام زمام الإمامة و قيادة الأمة الإسلامية و هداية المجتمع البشري بعد شراة أبيه الإمام موسى الكاظم عليه السلام بيد فارون العباسي في اليوم الخامس و العشرين من شهر الرجب عام ١٨٣ الهجري.

### الخصائص الإنسانية

كان الإمام الرضا عليه السلام كأسوة كاملة لجميع الأنام \_ سواء في حياته و لأبناء عصره أو فيما بعده و لمن يأتي بعد عصره \_ مستملا على خصائص و طبائع تعجب كلا من الأعداء و الأصدقاء و تجعل الأفتدة تحن إليه. كما كانوا يمدحونه دائما متذاكرين عظمتته محدثين بخلقه الإنساني الكريم. إن الإمام عليه السلام كان يدعو الجميع إلى إتخاذ السلوكات و الخصال الإنسانية مذكرا باستعمال الصداقة و الأخوة و الشفقة تجاه الآخرين و كان يوصي حضرته بالإسراع في مساعدة بعضنا لبعض و يعلم الناس حفظ اللسان عن الأقوال

التأففة و ...

ا

قال الرضا عليه السلام نقلًا عن رسول الله صلى الله عليه وآله: رَأْسُ الْعُقَلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ وَاضْطِنَاعُ الْخَيْرِ إِلَى كُلِّ بَرٍّ وَفَاجِرٍ. (عيون اخبار الرضا (ع) ٢/٣٥) أَيْضًا عَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ فَرَّجَ عَنِ مُؤْمِنٍ فَرَّجَ اللَّهُ قَلْبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (وسائل الشيعة ١٦/٣٧٢)

إن السلوك الإنساني مع جميع الأنام هو من سمات التعليمات الرضوية؛ فعلينا أن نتعامل مع الجميع بطريقة إنسانية سواء كانوا محسنين ملتزمين بالإنسانية أو شريرين متمردين للمبالين بها. لنسعى في سبيل حل مشاكلهم و لنفرض المجتمع كبنية واحدة و لتكون تصرفاتنا مع جميعهم متسمة بالإنسانية. إن الإمام عليه السلام كان عاملاً بربذه النقاط الرامية فلأن قد حول المجتمع زاخرا من سلوكها الإنساني غارقا في مراره العالي. فلأن يعيش هكذا:

ما جفا أحدا بكلامه

ما قطع على كلام أحد حتى يفرغ

كان طلوع الوجه بساما

ما قرقه في ضحكه

ما رد أحدا عن حاجة يقدر عليها

لا مد رجلية بين يدي جليس قط

لا انكأ بين يدي جليس له قط

لا رأيته تتم أحدا من مواليه و مماليكه قط

كان إذا خلا و نصب مائرته أجلس معه على مائرته مماليكه و مواليه حتى البواب السائس

كان عليه السلام كثير المعروف و الصدقة

كان يسرى معرفه إلى الفقراء و المساكين في السر و أكثر ذلك يكون منه في الليالي

المظلمة

كان يعود المرضى

و يشيع الجنائز

كان يقرى الضيوف و يكرمهم بنفسه

ما كان يسمح بأن يقوموا حين الأكل حتى يفرغوا.

كان كثير العناية بنظافة بدنه و شعره و لبابه.

و كان حليفا صبوراً.

هذه الخصال و الأخلاق الإنسانية الموجودة في الإمام عليه السلام كانت جارية في جميع أبعاد حياته. سواء مع صديقه أو عدوه. هذه السيم الجميلة كانت توقع على قلوب أعدائه و يخضعهم للتواضع عند حضرته عليه السلام.

و قال مأمون في رد على اعتراض العباسيين على البيعة للرضا عليه السلام: "وَأَمَّا مَا ذَكَرْتُمْ مِنْ ابْتِغَاءِ الْمَأْمُونِ فِي الْبَيْعَةِ لِلْأَبِيِّ الْحَسَنِ الرَّضَاءِ فَمَا بَايَعَ لَهُ الْمَأْمُونُ إِلَّا مُسْتَبْصِراً فِي أَمْرِهِ عَالِماً بِأَنَّهُ لَمْ يَبْوَ أَحَدٌ عَلَيَّ ظَهْرَهَا أَبِينِ فَضْلاً وَ لَّا أَظْهَرَ عَقَّةً وَ لَّا أَوْرَعَ وَرَعاً وَ لَّا أَزْهَدَ رُفْهًا فِي الدُّنْيَا وَ لَّا أَطْلَقَ نَفْساً وَ لَّا أَرْضَى فِي الْخَاصَّةِ وَ الْعَامَّةِ وَ لَّا أَتَدَّرُ فِي ذَاتِ اللَّهِ مِنْهُ" ( بحار الانوار ٤٩/٢١١ )

هذا هو اعتراف عدو قتل الإمام عليه السلام فلما رأى الإمام عليه السلام فاتقاً على الجميع في قوله و عمله و شهاد أنه يعمل بما يقول فما كان له بد من هذا الاعتراف.

الإستضافة

إن الإستضافة هي من أبرز الطبائع الإنسانية و من أحسن خصال الكرام. فالؤمن من المنظور الإسلامي هو من يقوم بإكرام ضيفه. و إن طريقة التعامل و أسلوب إكرام الضيف هو من النقاط الرامة الجديرة بالالفتات ايضا. إن الإستضافة و إكرام الضيف يعد من الأخلاق الحسنة و الخصال الجميلة. الضيف بركة و وجوده يزيد النعم. حين ورود الضيف على الرضا عليه السلام. كان يتعامل مع ضيفه بغاية الملاطفة و نرباية العطفة؛ ما كان يقوم بقضاء حوائج ضيفه فحسب بل كان يببالغ في محبته و إكرامه إلى حد كان الضيف يعد ذلك فخراً و يذكره كوسام شرف.

أَخْبَدَ بِنُ مَصَدِّ بْنِ يَحْيَى بْنِ أَبِي نَهْرٍ الْبَرْزَنْطِيّ الَّذِي يَعُدُّ مِنْ كِبَارِ أَصْحَابِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: بَعَثَ الرِّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِلَيَّ بِصِمَارٍ فَرَكِبْتُهُ وَ أَتَيْتُهُ فَأَقَمْتُ عِنْدَهُ بِاللَّيْلِ إِلَى أَنْ مَضَى مِنْهُ مَا شَاءَ اللَّهُ فَلَمَّا أَرَادَ أَنْ يَنْرَضَ قَالَ لِي لَأَأْرَاكَ تَقْدِرُ عَلَيَّ الرَّجُوعَ إِلَى النَّدِيمَةِ قُلْتُ أَجَلُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ فَبِتُّ عِنْدَنَا اللَّيْلَةَ وَ اغْدُ عَلَيَّ بِرَكَّةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قُلْتُ أَفَعَلُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ يَا جَارِيَّةُ افْرُشِي لَهُ فِرَاشِي وَ اطْرَهِي عَلَيْهِ مِلْحَفَتِي الَّتِي أَنَا مُ فِيهَا وَ ضَمِي تَحْتِ رَأْسِهِ مَخْدَتِي... (عيون اخبار الرضا) (ع) ٢١٢/٢ )

إن إكرامه للضيوف يبلغ إلى حد يفرش عليه السلام فراشه للضيفه؛ و في سلوك جميل مدلفن مع ضيف آخر. يشير حضرته عليه السلام إلى دستور عظيم يقول بأنه يجدر أن نلاحظ راحة الضيف في جميع الأوقات و لا نتوقع منه إجراء عمل أو تقديم خدمة:

روى أنه: نَزَلَ بِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) ضَيْفٌ وَ كَانَ جَالِسًا عِنْدَهُ يُحَدِّثُهُ فِي بَعْضِ اللَّيْلِ فَتَغَيَّرَ السَّرَاجُ فَنَدَّ الرَّجُلُ يَدَهُ لِيُضْلِعَهُ فَرَبَّرَهُ أَبُو الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) ثُمَّ بَادَرَهُ بِنَفْسِهِ فَأَضْلَعَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّا قَوْمٌ لَأَنْسَتَحِرْمُ أَضْيَافَنَا. (بحار الانوار ١٠٢/٤٩)

و يشير الإمام إلى هو من حقوق الضيف نقلًا عن رسول الله صلى الله عليه وآله و يقول:

مِنْ هَوِّ الضَّيْفِ أَنْ تَحْسِيَ مَعَهُ فَتُخْرِجَهُ مِنْ حَرَمِكَ إِلَى الْبَابِ.  
التزيين و النظافة

إن التزيين و النظافة صفتان يرغب إليهما جميع الناس و الإنسان بطبيعته يميل إلى الجمال و النقاوة. لهذا الموضوع أهمية كبيرة في التعليمات الإسلامية حتى يعد رسول الله صلى الله عليه و اله النظافة جزءًا من الإيمان و يقول:

النظافة من الإيمان (شرح الفصاحة/ ٧٩٠)

في الرؤية الإسلامية يجب على الناس أن يراعوا النظافة و تزيين الظاهر \_بالبساطة و بعيدا عن الأريستقراطية\_ و لتكن لأحد المجتمع الإسلامي هيئة جميلة مقبولة. إن الصحة و النظافة لهما أهمية خاصة في منظور الرضا عليه السلام و الوضاعة و القدرة عدنا

كأوصاف كريمة و مكروهة؛ فيقول الإمام عليه السلام في حديث:

أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ التَّجَمُّلَ وَ يُبْغِضُ الْبُؤْسَ وَ التَّبَاؤُسَ وَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُبْغِضُ مِنَ الرِّجَالِ الْقَادُورَةَ ( فقه الرضا (ع) / ٣٥٤ )

فلننتبه بأن التزين و النظافة لا يحتاجان إلى الترف و الأرستقراطية؛ إذ الإنسان يستطيع أن يكون جميلا و متزيئا دون أن يكون مترفا و مسرفا. و أيضا لنلتفت بأن رائحة الثياب و الريشة الكرية و غير الجميلة تحت عناوين كالزهد و بساطة المعيشة! هي من الأمور المكروهة من المنظور الإسلامي المنربية عندها. إن الإمام الرضا عليه السلام كان يخرج إلى الناس بريئة متزينة و جميلة كانت تسر الجميع و تبرمجهم. و لكنه كان يتزهد و يضييوع على نفسه في خلوته و منزله.

يقول ابن عباد: « كان جلوس الرضا عليه السلام على حصير بالصيف و على مسج في الشتاء و لبسه الفليظ من الثياب حتى إذا برز للناس تزين لرحم.

فهذه هي صفات أولياء الله الذين يزينون ظاهريهم برهبة للناظرين و يظهرون في المجتمع بريئات جميلة و يحفظون مجد المجتمع الإسلامي و اعتزازه إلى حد لا ينزلى إلى أودية الأرستقراطية و الطاغوت.

علاوة على تزين الظاهر و النظافة. كان حضرته عليه السلام يحضر في المجتمع متعظرا عبقا في جميع الأحوال. إن العطر و الرائحة الطيبة في العبادة و بين الأسرة و المجتمع. هو تكليف إنساني و أخلاقي أكد الرضا عليه السلام عليها.

يقول الإمام الرضا عليه السلام: لَا يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يَدَعَ الطَّيْبَ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ فَيَوْمٌ وَ يَوْمٌ لَا فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَيَوْمٌ وَ يَوْمٌ لَا يَدَعُ ذَلِكَ ( الكافي ٥١٠/٦ )

يجب أن نراعي لهذا التكليف أيضا بين أسرنا كمجتمع صغير نسرد زوجنا/زوجتنا و سائر أعضاء الأسرة باستعمال الطيب و العطور حتى تتعزز العلاقات العائلية. و يجب أيضا أن يزين الإنسان نفسه لزوجته/زوجته \_علاوة على استعمال الطيب\_ فالتزين في البيت و عند الأسرة أمر هياتي ذي أهمية بالغة يسبب تعزيز العلاقات الجمعية و تقوية الصداقة الكائنة بين الأسرة و تعميم التجاذبات الثنائية و أيضا يمهّد أرضية أحسن لحصول مقولتي العفاف

و التعفف فی الأسرة. هذه الخصبه و هذا السلوك و تزينه و تجمله عليه السلام بين المجتمع و الأسرة. يعد من أبرز خصال الإمام الرضا عليه السلام الممتازة. يقول الحسن بن جرم: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) وَ هُوَ مُخْتَضِبٌ بِسَوَادٍ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدِ احْتَضَبْتَ بِالسَّوَادِ قَالَ إِنَّ فِي الْخِضَابِ أَجْرًا إِنَّ الْخِضَابَ وَ التَّزْيِينَةَ مِمَّا يَزِيدُ فِي عِفَّةِ النَّسَاءِ وَ لَقَدْ تَرَكَ النَّسَاءُ الْعِفَّةَ لِتَرَكَ أَزْوَاجَهُنَّ التَّزْيِينَةَ لِهِنَّ.

عالم آل محمد أو أعلم من فی الأرض

إن الإسلام دين العلم و التعلم فالله تعالى بدأ كلامه مع رسوله بلفظ "اقرأ" و دعا الإنسان إلى التعلم في عديد من آيات كتابه العزيز. إن هذا القاعدة الحيائية و الخالدة كانت و لا تزال جارية حية في كلمات رسول الله صلى الله عليه و آله و الأئمة الظاهرين عليهم السلام و سيرة المعصومين. إن أئمتنا عليهم السلام عرفوا كأعلم الناس في جميع الأعصار و الأدوار. و اعترف الجميع عالمهم و جاهلهم إلى علم هؤلاء المعصومين و التاريخ خير شاهد لهذه القضية بأنه كانوا عليهم السلام المراجع الذين يراجعهم المفكرين و بقاء العلم.

و من بين هؤلاء الأئمة عليهم السلام كان الإمام الرضا عليه السلام معروفًا بعالم آل محمد فنرى بأن الإمام الكاظم عليه السلام يوصى جميع ولده إلى خدمة الرضا عليه السلام و الرجوع إليه في أمورهم الدينية و يقول:

هَذَا أَهْوَاؤُكُمْ عَلَى بَنِي مُوسَى الرِّضَا عَالِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ فَسَلُّوهُ عَن أَدْيَانِكُمْ وَ احْفَظُّوْا مَا يَقُولُ لَكُمْ فَإِنِّي سَمِعْتُ أَبِي جَعْفَرَ بِنِ مُحَمَّدٍ غَيْرَ مَرَّةٍ يَقُولُ لِي إِنَّ عَالِمَ آلِ مُحَمَّدٍ لَفِي صُلْبِكَ وَ لِيَتَّبِعِي أَدْرَكَتُهُ فَإِنَّهُ سَيِّئُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. (كشف الغم ۳/ ۳۱۷)

امام رضا (ع) جنان بود که همگان به آگاهی و علم دریا سان او اعتراف داشتند، و وی را عالمترین و دانشمندترین مردمان روزگار میدانستند و هیچ عالمی را بر وی برتری نمی‌دادند.

كان الناس جميعا يعترفون بعلم الرضا عليه السلام الذي يمثل البحر في غزارة و وسعته

و كانوا يعدونه أعلم دهره و ما فضلوا غيره عليه.

يقول أبو الصلتِ عبدُ السلامِ بنُ صالحِ الرِّزَوِيِّ: مَا رَأَيْتُ أَعْلَمَ مِنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَ وَ لَّا رَأَهُ عَالِمٌ إِلَّا تَسَبَّدَ لَهُ بِبَيْتٍ تَرَادَدَتِي وَ لَقَدْ جَمَعَ التَّأْمُونَ فِي مَجَالِسَ لَهُ ذَوَاتِ عَدَدِ عُلَمَاءِ الأُدْيَانِ وَ فُقَرَاءِ الشَّرِيعَةِ وَ التَّمَلِّمِينَ فَتَلَبَّسَهُمْ عَنْ آخِرِهِمْ حَتَّى مَا بَقِيَ أَحَدٌ مِنْهُمْ إِلَّا أَقْرَ لَهُ بِالْفَضْلِ وَ أَقْرَ عَلَيَّ نَفْسَهُ بِالْقُصُورِ ( جمار الانوار ١٠٠/٤٩ )

فهذا الإمام نفسه يسير إلى هذا الأمر ينزل الستار عن حقيقته و يقول:

كُنْتُ أَجْلِسُ فِي الرُّوضَةِ وَ العُلَمَاءُ بِالْمَدِينَةِ مُتَوَافِرُونَ فَإِذَا أَعْيَا الوَاحِدَ مِنْهُمْ عَنْ مَسْأَلَةٍ أَتَارُوا إِلَيَّ بِأَجْمَعِهِمْ وَ بَعَثُوا إِلَيَّ بِالمَسَائِلِ فَأُجِيبُ عَنْهَا.

إن الرضا عليه السلام لم يكن المرجع الأخير الذي كان يراجع إليه في المدينة فحسب. بل الأقاليم الإسلامية الواسعة بأجمعها كانت محط رجوع العلماء و المتقنين إليه: فها هي ذي الحشود التي كانت منحدره إليه لطرح مسائليهم. و هكذا كان مواضع مسير الإمام عليه السلام إلى من المدينة إلى مرو ملوذة من الأنام مجتمعين حوله يسألون مسائليهم عن حضرته عليهم السلام و يلتمسون أجوبتيهم عنه. يقول رجا بن ضحالك الذي كان قد أرسله المؤمن إلى المدينة لإخبار الإمام إلى مجيئه إلى مرو:

...فو الله ما رأيت رجلاً كان أتقى لله تعالى منه و لا أكثر ذكراً لله في جميع أوقاته منه و لا أشدَّ خوفاً لله عزَّ و جلَّ منه... كان (عليه السلام) لا ينزلُ بلداً إلا قصده الناس يستفتونه في معالم دينهم فيجيبونهم و يحدثنهم الكثير عن أبيه عن آباءه عن علي (عليه السلام) عن رسول الله (صلى الله عليه و آله) فلما وردت به علي المؤمن سألتني عن حاله في طريقه فأخبرته بما شاهدته منه في ليله و شراره و ظننه و إقامته فقال لي "يا ابن أبي الضحالك هذا خير أهل الأرض و أعلمهم و أعبدلهم فلا تخبر أحداً بما شاهدته منه"

(عيون اخبار الرضا ٢ / ١٨٠-١٨٢)

إن من أعجب الاجتماعات السعوية أثناء سفر الإمام الرضا عليه السلام التي لم ير مثيل له هو كان إجتماع أهالي نيسابور و علمائهم و حكمايهم حول مركب الرضا عليه السلام؛ حين طلبوا من حضرته بأن يحدثنهم فحدثهم. قيل بأنه كان هناك أكثر من عشرين ألف

کتاب مسجلين کلمات الإمام بأقلامهم.

كان الإمام عليه السلام يجيب ما يسأل عنه و لم تكن مسألة إلا و هو يعلمها و لم يكن سؤال إلا و هو يجيبها.

يقول إبراهيم بن العباس: ما رأيت الرضا (عليه السلام) يسأل عن شيء قط إلا علم و لا رأيت أعلم منه بما كان في الزمان الأول إلى وقته و عصره و كان المؤمن يمنهه بالسؤال عن كل شيء فيجيب فيه و كان كلامه كله و جوابه و سئل عن القرآن (عيون اخبار الرضا (ع) ١٨٠/٢)

إن علم الإمام عليه السلام الواسع كان يعجب الجميع إلى حد كان البعض يظنون أنه واحد من أنبياء الله.

يقول سليمان الجعفري: كنت عند أبي الحسن الرضا (عليه السلام) و البئت منلوء من الناس يسألونه و هو يجيبهم فقلت في نفسي ينبغي أن يكونوا أنبياء فترك الناس ثم التفت إلي فقال يا سليمان إن الأئمة علماء علماء يحسبهم الجاهل أنبياء و ليسوا أنبياء (مناقب آل أبي طالب ٣٦٣/٤)

إن الإمام الرضا عليه السلام. كان عالما بلغة جميع الشعوب و الأمم فكان يرشد كل قوم بلغتهم و يكلم كل شخص بلغته. نعم إنه كان يتكلم بالفارسية و الهندية و التركية و الرومية و ... و كان ذلك يعجب الأنام بأنه كيف حصلت له الإحاطة بجميع اللغات و الألسن و يكلم كل شخص بلغته.

يقول أبو الصلت الرروي: كان الرضا (عليه السلام) يكلم الناس بلغاتهم فقلت له في ذلك فقال يا أبا الصلت أنا حجة الله على خلقه و ما كان الله ليتخذ حجة على قوم و هو لا يعرف لغاتهم أ و ما بلفك قول أمير المؤمنين (عليه السلام) أو تينا فضل الخطاب و قل هو إلا معرفته للغات (مناقب آل أبي طالب ٣٦٣/٤)

لهذا صارت أنظار الناس و العلماء و الحكماء ملتفة إلى الإمام عليه السلام و لم يكن هذا الأمر وفوق ما كان يرومه الخليفة. إن الإمام الرضا عليه السلام كان يدمر مخططات مأمون و يعلم طلاب العلم الإلري الصادقين في طلبهم بأن يتلقوا العلم الحقيقي من

معلی مدربة الوهي و معادنه.

إن ما جرى في مرو من أمر مأمون بجمع كبراء المذاهب و الأديان و خبراء العلماء و الفلاسفة و المتكلمين لمناظرة الإمام عليه السلام و احتجاجه. كان هادفا إلى التشكيك في أعلمية الإمام الرضا عليه السلام زعما منه بأن الإمام عليه السلام سوف يعجز عن الجواب و يخفف من سرعة إتجاه الناس نحوه عليه السلام.

يقول الحسن بن محمد النوفلي ثم الراشي: لما قدم علي بن موسى الرضا (عليه السلام) علي المأمون أمر الفضل بن سهل أن يجمع له أصحاب المقالات مثل الجليلي و رأس الجالوت و رؤساء الصابئين و الهريرز الأكبر و أصحاب زردهشت و نسطاس الرومي و المتكلمين ليسمع كلامه و كلامهم فجمعهم الفضل بن سهل ثم أعلم المأمون باجتماعهم فقال أدخلهم علي ففعل فرحب بهم المأمون ثم قال لهم إني إنما جمعكم لخير و أهابت أن تناظروا ابن عمي لهذا المدعي القادم علي فإذا كان بكرة فاغدوا علي و لا يتخلف منكم أحد فقالوا السمع و الطاعة يا أمير المؤمنين نحن مبكرون إن شاء الله.

قال الحسن بن محمد النوفلي فبينما نحن في حديث لنا عند أبي الحسن الرضا ع إذ دخل علينا ياسر الخادم و كان يتولى أمر أبي الحسن ع فقال له يا سيدي إن أمير المؤمنين يقرئك السلام و يقول فدراك أخوك إنه أجمع [اجتمع] إلى أصحاب المقالات و أهل الأديان و المتكلمون من جميع الملل فأريك في البكور إلينا إن أهابت كلامهم و إن كرهت ذلك فلا تجشم و إن أهابت أن نصير إليك خف ذلك علينا.

فقال أبو الحسن أبلغه السلام و قل له قد علمت ما أردت و أنا صائر إليك بكرة إن شاء الله.

قال الحسن بن محمد النوفلي فلما مضى ياسر التفت إلينا ثم قال لي يا نوفلي أنت عراقي و رقة العراقي غير غليظة فما عندك في جمع ابن عمك علينا أهل الشرك و أصحاب المقالات؛ فقلت جعلت فداك يريد الامتحان و يجب أن يعرف ما عندك و لقد بنى علي أساس غير

وشيخ البنيان و بش و الله ما بنى

فقال لي و ما بناؤه في هذا الباب؛

قلت: إن أصحاب الكلام و البردة خلاف العلماء و ذلك أن العالم لا ينكر غير المنكر و أصحاب المقالات و المتكلمون و أهل الشرك أصحاب إنكار و مباحثة إن احتجبت عليهم بأن الله واحد قالوا صح [صحح] وصدائته و إن قلت إن محمدا رسول الله ص قالوا أثبت رسالته ثم يباغتون الرجل و هو يبطل عليهم بحجته و يغالطونه حتى يترك قوله فاحذرهم جعلت فداك.

قال فتبسم ثم قال لي يا نوفلي أفتخاف أن يقطعوا علي حجتي؟  
فقلت لا و الله ما خفت عليك قط و إنني لأرجو أن يظفرك الله بهم إن شاء الله تعالى.  
فقال لي يا نوفلي أتحب أن تعلم متى يندم المؤمن؟  
قلت نعم.

قال إذا سمع احتجاجي علي أهل التوراة بتوراتهم و علي أهل الإنجيل بإنجيلهم و علي أهل الزبور بزبورهم و علي الصابئين بعبادتهم و علي أهل الرهاينة بفارسياتهم و علي أهل الروم بروميتهم و علي أصحاب المقالات بلغاتهم فإذا قطعت كل صنف و دحضت حجته و ترك مقالته و رجع إلي قولي علم المؤمن الموضع الذي هو سبيله ليس يستحق له فعند ذلك يكون الندامة و لا حول و لا قوة إلا بالله العلي العظيم.

فلما أصبحنا أنا الفضل بن سهل فقال له جعلت فداك إن ابن عمك ينظرك [ينتظرك] و قد اجتمع القوم فما رأيك في إتيانه فقال له الرضا ع تقدمني فإني صائر إلي ناهيتكم إن شاء الله ثم توضأ وضوء للصلاة و شرب ثربة موسى و سقانا منه ثم خرج و خرجنا معه حتى دخلنا علي المؤمن و إذا المجلس غاص بأهله و محمد بن جعفر و جماعة من الطالبين و الرهاثيين و القواد حضور فلما دخل الرضا ع قام المؤمن و قام محمد بن جعفر و جميع بني هاشم فما زالوا وقوا و الرضا ع جالس مع المؤمن حتى أمرهم بالجلوس فجلسوا فلم يزل المؤمن مقبلا عليه يحدته ساعة ثم التفت إلي الجالسيو فقال يا جالسيو لهذا ابن عمي علي بن موسى بن جعفر و هو من ولد فاطمة بنت نبينا و ابن علي بن أبي طالب ص فأحب أن تكلمه أو تحاجه و تصفه... (عيون اخبار الرضا (ع) ١٥٤/١)

فاستمرت هذه المناظرات حتى ألزم الإمام عليه السلام كلال من العلماء و الفلاسفة و

المتكلمين و كبار الأديان و ... بالبرهان و الدليل و وضع الأمر للجميع و قبل كل منسهم مقالة الإمام عليه السلام و رجعوا عن دلائلهم و عقائدهم السابقة. فكان الرضا عليه السلام - حين مناظرته و مواجرته العلمية الثقافية مع العلماء و مفكرى التيارات الفكرية المختلفة و منلى المدارس المتنوعة - كما كان كإمام رؤوف و حنون. يجيب عن أسئلتهم و شبراتهم و مسائلهم بغاية الإحترام و التكريم و لا يرد أى مواجرة علمية و لا يقلقه طرح أى شجرة من ناحية المناظرين و هكذا يظهر للمعلمين معنى كون شخص إماما و هاديا فى الثقافة الإسلامية.

إن الإمام الرضا عليه السلام. برعايته الأصول التى يجب أن تراعى فى كل مناظرة و محاكمة علمية. نبه المجتمع الإسلامى و العلماء و المفكرين و تبعته و تابعيه و نوصهم بالطريق و المنهج الصحيح فى المناظرات العلمية. هنا نشير إلى بعض تلك الأصول:

١- الصبر و الحلم: إن سلوك الإمام عليه السلام مع المخالفين فى هذه المناظرات كان سلوك صابر و واسع الصدر و كان قد تبلغ المحادثات أحيانا إلى ساعات متوالية و لكن الإمام عليه السلام كان يتابع المحادثات بالتأنى و الصبر.

٢- رعاية الإنصاف: إن الإمام عليه السلام كان يراعى الإنصاف فى جميع الجلسات و تمام المناظرات و كان يطلب من المناظرين أيضا بأن ينصفوا: فيجب أن ينصب المناظر رعاية الإنصاف كمرئده فى مناظرته مع الآخرين. كان من كان. من كل طبقة و من أى مذهب و مدرسة؛ و عليه أن يجتنب من الأقوال التمصبية المخالفة مع روح الإنصاف غاية الإجتناوب.

٣- على المناظر أن يكون محيطا بعقائد الطرف الآخر و معتقده و أن يكون خبيرا بمصادرهم العلمية و كتبهم الاعتقادية. كما أن الرضا عليه السلام كان يستخدم كتبهم و مصادرهم فى مناظرته مع كل عالم من علماء المذاهب المختلفة.

٤- يجب فى المناظرة أن لا نقطع كلام الطرف الآخر. بل لنعط الفرصة للناقد كى يتم انتقاده بأكمله ثم نقوم برده أو الجواب عنه. كما كان الرضا عليه السلام لا يقطع كلام أحد أثناء محادثته.

٥- يجب أن تقام المناظرات بين حمود من المفكرين و سائر الناس حتى يثبت الحق و يؤيد من جانب الآخرين كإعتقاد صحيح قابل للدفاع عنه فيكون ذلك مانعا عن ترويج العقائد الباطلة و غير القابلة للدفاع. كما كان العلماء و الناس حاضرين أثناء مناظرة الإمام عليه السلام مع المفكرين.

عند ساحة الله الربوبية

إن أحسن الأسي و أفضل الناس لإدراك حقيقة العبادة و العبودية لهم أولياء الله و الأئمة الصادقين عليهم السلام؛ فسيارة الرضا عليه السلام هي خير أسوة و مثال لعبادة الله و عبوديته؛ فإحياء لياليه و سجده الطويلة و صلاته في أول وقتها. و صيامه و ... كل ذلك يعلمنا كيف يجب أن نجتهد في عبادة الله. كان الرضا عليه السلام يعتبر منتصف الليل خير الأوقات لعبادة الله عز و جل و يستغل بعبادة الله و ذكره و تسبيحه في آاء الليالي بإحيائها.

يقول إبراهيم بن العباس: كَانَ (عليه السلام) قَلِيلَ النَّوْمِ بِاللَّيْلِ كَثِيرَ السَّرَرِ يُحِبِّي أَكْثَرَ لَيَالِيهِ مِنْ أَوَّلِهَا إِلَى الصُّبْحِ.

إن من أجمل مظاهر حياته عليه السلام العبودية هو سجده الطويلة. هذه السجده التي تكون فوه العبادات الفرائضية تظهر مدى إظهاره العبودية أمام الله عز و جل. يقول الصولي: ... ما رأيت امرأة قط أتم من جدتي هذه عقلا و لا أمخي كفا و كانت تسأل عن أمر الرضا (عليه السلام) كثيرا فتقول: ... كان (عليه السلام) إذا صلى الفداء و كان يصلها في أول وقت تم يسجد فلا يرفع رأسه إلى أن ترتفع الشمس.

يقول أبو الصلت البروي: سجد (عليه السلام) سجدة طال مكته فيسرا فأحصيت له فيسرا خمسمائة تسبيحة ثم انصرف (عيون أخبار الرضا ٢/١٢٧)

و كان للإمام الرضا عليه السلام رغبة خاصة إلى الصيام. فلأن حضرته عليه السلام يصوم كثيرا طوال كل عام.

يقول إبراهيم بن العباس: كان كثير الصيام فلا يفوته صيام ثلاثة أيام في السرر و يقول ذلك صوم الدهر.

إن الصلاة ركن من أركان الدين الأمامية و عمود برادوه الإسلام و معراج للمؤمنين. إنبرا أرض زردهر فيها الحقيقة و الصدوق، فربى حائلة دون الزيف و الكذب، الصلاة تنتج السكينة و السكون، و تولد الأمن الروحي، فربى أرضية صالحة لإزالة كل خوف و قلق، فمن ذلك المنظور، نرى التعليمات الإسلامية زاخرة من أهمية الصلاة و دوره الحياتي في حياتنا اليومية؛ فهناك تأكيدات كثيرة على إقامة الصلاة مع رعاية آدابها و شروطها الخاصة بها، من رعاية زمانه في أول وقتها و غيرها من الآداب، خاصة إتقانها بالجماعة، فلأجل أهمية هذا الأمر، نرى أئمتنا عليهم السلام مرسمين به غاية الإهتمام، في سيرتهم و سلوكهم، حتى تبين أهمية الصلاة للآخرين، إن الإمام الرضا عليه السلام في سيرته كان قد أكد على أهمية هذا الموضوع في موارد كثيرة.

يقول: إبراهيم بن موسى القزاز: كنت يوما في مجلس الرضا عليه السلام بخراسان، فألحمت عليه في شيء طلبته منه، فخرج يستقبل بعض الطالبين، و جاء وقت الصلاة، فمال إلى قصر فناءك، فنزل تحت شجرة بقرب القصر، و أنا معه، و ليس معنا نالت، فقال: «أذن» فقلت: ننتظر يلحون بنا أصحابنا، فقال: «غفر الله لك، لا تؤخر الصلاة عن أول وقتها إلى آخر وقتها، من غير علة عليك، ابدأ بأول الوقت.

هناك واقعة أخرى سجلت في سيرة الإمام الرضا عليه السلام و تدل على مدى أهمية الصلاة و دورها الحياتي ففي تلك الأيام التي كان الإمام عليه السلام معتمدا بمجلس المناظرة التي كان قد رتبها المأمون كي يجعله يناظر مع كبار علماء الأديان و المذاهب و المدارس الفلسفية و كان عليه السلام يتحدث مع العلماء المسيحيين و المتكلمين و الفلاسفة، كان حين الصلاة أثناء مناظرتة مع عمران الصابي الذي كان واحدا من كبار علماء زمانه و مشاهير متكلمييه، فبينما كان قد وصل الأمر إلى نقاطه الرامة الخطيرة و كان الصابي مشرفا على قبول كلمات الإمام، ترك الإمام الرضا عليه السلام المناظرة و قال: نصلي و نعود.

فترض و نرض المأمون فصلى الرضا (عليه السلام) داخلا و صلى الناس خارجا خلف محمد بن جعفر ثم خرجا فعاد الرضا (عليه السلام) إلى مجلسه و دعا بعمران فقال بل يا

عمران فسأله عن الصانع تعالى و صفاته و أجيب إلى أن قال أ فهمت يا عمران قال نعم يا بدي قد فهمت و أشهد أن الله على ما وصفت و وحدت و أن مصدا عبده المبعوث بالهدى و دين الحق ثم خر ساجدا نحو القبلة و أسلم -

هذه هي طريقة قادة الإنسانية العظماء و سيرتهم التي لا تقدم أمرا - مرما يكن من الأصمية بكمان - على صلاتهم في أول وقتها؛ و إن كانوا في أعظم المجالس و أهم الأمور.

مع البؤساء و المساكين

إن الموااة مع البؤساء و المساكين هي من جملة خصائص الإمام و الحاكم في المجتمع الإسلامي؛ و لها نتائج بناء جدا. هذا الأمر المبرم كان موجودا في جميع دعوات الأنبياء و الأولياء الإلهيين؛ و قد اهتموا إليه من أوائل أيام الإسلام؛ و النبي صلى الله عليه و آله كان يعنى مع المساكين و الحفاة و المماليك. كان يجنبهم. يجلس معهم و يرافقهم و يعنى كعشترهم. و هكذا كان أئمتنا عليهم السلام و ما سلك أحدهم مسلما غير ذا - سواء كانوا جالسين على سرير الحكم أم منوعين عنه - بل عاشوا كأناس الطبقات السفلى في فقرهم و حرمانهم.

إن الإمام الرضا عليه السلام - كآبائه المعصومين عليهم السلام - كان مع البؤساء و المساكين. يعنى كعشترهم. بعيدا عن أى ترف و أرطقراطية؛ فكان عليه السلام - مع كونه ولي العرش - يعنى عيشة آباءه الأكرمين عليهم السلام - خلافا لأهاليب الخلافة و الحكومة آنذاك - فكان يبطل أسلوب حياة المأمون بسلوكه عليه السلام و يبدي تفكراته غير الإسلامية بطريقته. إن الإمام على بن موسى الرضا عليه السلام كان يصف المؤمن كضو من المجتمع الإنساني العظيم؛ مجتمع يكون الأفراد فيه إما مسلما فإخوان في الدين و إما غير مسلم فشرريك في النوع؛ مجتمع تظل آلام أعضائه بمثابة آلام المؤمن فيرى نفسه مكلفا بإغاثة المبروفين و إمداد المظلومين؛ فلا يتخجل بما يستطيعه من الساعي. يرى أبناء آدم كأعضاء جسد واحد فتؤلمه آلام غيره و مصائبهم كآلام نفسه و مصائبه. فيوسع بذلك المسامية الاجتماعية و ينهى العواطف الإنسانية.

أجل الخلائق و أكرمها اصطناع المعروف ، و إغاثة المبروف ، و تحقيق أمل الآمل ، و تصديق مضية الراجي  
 ... أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى كَلَّفَ أَهْلَ الصَّحَّةِ الْقِيَامَ بِسَانَ أَهْلِ الزَّمَانَةِ وَ الْبُلُوَى ... (عيون اخبارالرضا) (ع) ٨٩/٢

إن التوجه إلى هوائج المحوجين و قضائها له مكانة خاصة في ثقافة الإسلام الإلربية و الإنسانية. هذا الأمر تكليف و فريضة على من كان قادرا عليه ليتسابقوا إلى مساعدة البائسين. فتم سباه يقرب فيه المشاركون إلى الله عز و جل و يقعون تحت ظل رضاية الله تعالى. بكل خطوة يخطونها و جهد يبذلونه. فلذا كان النبي صلى الله عليه و آله و الأئمة عليهم السلام مرتبمين به أكثر من الآخرين فسلكوا في سيرتهم هذا المسلك فرى مليئة من أياديهم البيض و مساعيرهم النيرة.  
 عَوْنِكَ لِلضَّعِيفِ مِنْ أَفْضَلِ الصَّدَقَةِ.

كان الإمام الرضا عليه السلام يسبى من غيره إلى هذا الأمر؛ فكان جزءا من سيرتها. لم يدخر مالا أيام ولاية عمره و كان يجود بما عنده للبؤساء و المساكين ليُدخر لآخرته. أن الإمام على بن موسى الرضا عليه السلام فرق بخراسان أمواله كلها في يوم عرفة. فقال له الفضل بن سهل: ما هذا المفرم؛ فقال: بل هو المنعم.

فركذا تكون إغاثة البؤساء و مساعدة المحرومين كرامة إنسانية و عملا إلهيا؛ فالذين يسلكون مسلكا غير هذه الطريقة مرددين شعارات الكرامة الإنسانية و حقوق الإنسان. في الحقيقة. ليسوا سائرون مسيرا صحيحا و لا يفون بمسئولياتهم.

كان الإمام عليه السلام يقاسم ما كان عنده من النعم مع البؤساء و الفقراء و يشركهم في عيشته فكان لا يزال يذكرهم كأننا معهم واقفا بجنبهم.

عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَّادٍ قَالَ: كَانَ أَبُو الصَّحَّانِ الرَّضَاعِ إِذَا أَكَلَ شَيْءًا مِنْ بَصْحَفَةٍ فَتَوَضَّعَ قُرْبَ مَائِدَتِهِ فَيَقْبِضُ إِلَى أَطْيَبِ الطَّعَامِ مِمَّا يُؤْتَى بِهِ فَيَأْخُذُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ شَيْئًا فَيُوضِعُ فِي تِلْكَ الصَّحْفَةِ ثُمَّ يَأْمُرُ بِهَا لِلْمَسَاكِينِ ...

لهذا كان الرضا عليه السلام في علاقاته الإجتماعية أيضا و لا يرى تفاوت بين ظاهره و ظاهر الناس و شعوب المجتمع؛ و ما كان يُعرَف حيث يحضر بين الجماعات و لم يكن له تصرفات رسمية من المرافقين و الملازمين و ما كان يسلك سلوك الملوك و الأمراء. إن الرضا عليه السلام كان يبطل بسلوكه أعمال الخلفاء و تصرفات الأمراء و يعلم الناس بأنه هكذا يكون أسلوب حياة الحكام الإسلاميين: كان عليه السلام لا يفرق بين المحرومين و الأمراء أو البؤساء و ضباط الحكومة فما كان في رؤيته تفاوت بينهم.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا (عليه السلام) قَالَ: مَنْ لَقِيَ فَقِيرًا مُسْلِمًا فَسَلَّمَ عَلَيْهِ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَى النَّبِيِّ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ.

قَالَ الرضا عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) مَنْ اسْتَدَلَ مُؤْمِنًا أَوْ حَقَرَهُ لِفَقْرِهِ أَوْ قِلَّةِ ذَاتِ يَدِهِ شَرَّهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ يَفْضَحُهُ.

كان الإمام عليه السلام مع الكتل المحرومة؛ واقفا بجنبهم؛ فلعدم تأيه عنهم كان يعرف مشاكلهم و يطلع على آلامهم و مصائبهم و يعلم حوائجهم. لهذا كان إماننا العظيم عليه السلام عارفا بالآلام الطبقات المحرومة خبيرا بما يجرى عليهم من العسر و العناء. لهذا نعتقد أن لا مثيل له و لآبائه في الكرامة الإنسانية التي تظهر في أعلى مراتبه، كما قال ياسر الخادم للإمام الرضا(ع):

«لما كان بيننا و بين طوس سبعة منازل اعتل أبو الحسن (ع) فدخلنا طوس و قد اشتدت به العلة فبقينا بطوس أياما فكان المأمون يأتيه في كل يوم مرتين فلما كان في آخر يومه الذي قبض فيه كان ضعيفا في ذلك اليوم فقال لي بعد ما صلى الظهر يا ياسر ما أكل الناس شيئا قلت يا سيدي من يأكل لها هنا مع ما أنت فيه فانتصب (ع) ثم قال لهاوا المائدة و لم يدع من حسبه أحدا إلا أقعد معه على المائدة يتفقد واحدا واحدا فلما أكلوا قال ابعثوا إلى النساء بالطعام فصل الطعام إلى النساء فلما فرغوا من الأكل أغمى عليه و ضعف فوقت الصبحة و جاءت جواري المأمون و نساؤه حافيات حاسرات و وقفت الوحيدة بطوس و جاء المأمون حافيا حاسرا يضرب على رأسه و يقبض على لحيته و يتأسف و يبكي و تسيل دموعه على خديه فوقف على الرضا (ع) و قد أفاء فقال يا سيدي و الله ما

أدرى أى المصيبتين أعظم على فقدى لك و فراقى إياك أو ترسة الناس لى أنى اغتلتك و قتلتك قال فرفع طرفه إليه ثم قال أحسن يا أمير المؤمنين معاشره أبى جعفر ع فإن عمرك و عمره هكذا و جمع بين سبابته قال فلما كان من تلك الليلة قضى عليه بعد ما ذهب من الليل بعضه فلما أصبح اجتمع الخلو و قالوا إن هذا قتله و اغتاله يعنون المأمون» (عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ٢، ص: ٢٤٢)

لا يوصف مدى أهمية و أصالة نظرة الإمام (ع) فى تكريم المذاهب و المعتقدات الأخرى التى تثبت لنا الاعتقاد الصادق الى الحقوق الإنسان. و هذا الأمر يتمثل فى تكريم الإمام (ع) و احترامه لمبادئ الزرارة و صية مجوسى:

«قال ياسر و كتب من نيسابور إلى المأمون أن رجلا من المجوس أوصى عند موته بجال جليل يفره فى الفقراء و المساكين ففرقه قاضى نيسابور على فقراء المسلمين فقال المأمون للرضا (ع) يا سيدى ما تقول فى ذلك فقال الرضا ع إن المجوس لا يتصدقون على فقراء المسلمين فكتب إليه أن يخرج بقدر ذلك من صدقات المسلمين فيتصدق به على فقراء المجوس.»

و فى الحال كيف نستطيع أن نقاس بين هذه الثقافة العملية و المتقدمة و التصريحات الكاذبة التى تدل على الحماية عن حقوق الإنسان فى الدول الغربية الطماعة للقدره. بلى، إن المأمون المستكبر و الطمّاع للقدره لم يقدر أن يرى الأعمال الإلربية و الإسلاميه من جانب الإمام الرضا(ع). و فضح يوما بعد يوم، و ارتعى بنبان دولته حتى يقتل الإمام (ع)، لكن فى الحقيقة التاريخية قد دلّ المأمون العباسى نفسه لمن يقرأ التاريخ حراً و خلد الإمام الرضا(ع) و مدرسته إلى الأبد.

قتل الإمام على بن موسى الرضا عليه السلام مسوما بيد المأمون العباسى فى اليوم الآخر من شهر الصفر عام ٢٠٣ الهجرى بعد سنين ننية و أعوام مباركة مليئة من السجيا الإنسانية؛ فلبى دعوة ربه فنال الشراة كآبائه و أبناءه المظلومين المضطهدين.



say in this regard?” Imam (A.S.) replied: “Zoroastrians do not give anything to Muslims. Write a letter to the Judge of Neyshabour, and tell him to take the same amount from Muslims’ taxes and distribute it among the Zoroastrian poor.” (Parts of Imam Reza (A.S.)’s Words, Volume 92, p. 95, as cited in Oyun Akhbar al-Reza (A.S.) 15/2; Musnad al-Imam Reza (A.S.) 332/2 ).

Compare this to the human rights claimed by the hypocrite West, and how they treat those with ideology and thoughts against their hegemonic policies.

Ma’mun, the arrogant Abbasid caliph, did not tolerate Imam’s Islamic and divine manners, and became more disgraced day by day, and the foundations of his government were weakening until when he murdered Imam Reza (A.S.); In fact, he condemned and destroyed himself before the free thinkers and the history while Imam (A.S.) and his school remained eternal.

Imam Ali Ibn Musa al-Reza (A.S.), after an illuminating and blessed life, filled with benevolent qualities, was poisoned by Ma’mun, the Abbasid Caliph, on the last day of Safar 203 AH. and obeyed his Lord’s invitation and was martyred.

deprived masses of people.

Human sanctity and dignity, and their comfort and independence have been of a high, unique and unequalled position. Yasser, Imam Reza (A.S.)’s servant, said: “On the day Imam Reza (A.S.) was poisoned by the wicked Abbasid caliph, and was martyred by it, after performing midday prayers, Imam Reza (A.S.) said to me”O’ Yasser! Have the people (his family and servants) eaten?”

I replied: “Your Holiness! Who can eat while you are in this condition? (Severely poisoned and spending the last moments of life). Imam (A.S.) sat up, and said: “Bring the food, and then summoned everyone, did not leave anyone out, and displayed his love and tenderness to every single person there... when everyone finished eating, Imam (A.S.) fell unconscious...” (Parts of Imam Reza (A.S.)’s Words, first volume, p. 95, as cited in Oyun Akhbar al-Reza (A.S.))

Respecting other religions and their followers was of an indescribable significance to Imam Reza (A.S.), which reflects man’s true rights; even after death of a Zoroastrian (who had not converted to Islam), Imam Reza (A.S.) respected his ideology, demands and will.

Imam’s servant, Yasser, said: “A letter came to Ma’mun from Neyshabour, which read: ‘A Zoroastrian man had demanded in his will to distribute a huge amount of his property among the needy and the poor. The Judge of Neyshabour had distributed the property among Muslims.’”

Ma’mun said to Imam Reza (A.S.): “Your Holiness! What do you

thought of them and was with them.

Moemer Ibn Khalad says, “When Imam Reza ate, he asked for a tray. He looked at the best food they brought for him then, would he [take some from the food and put that in the tray. Then ordered to take the tray to the poor” (Osul al-Kafi 52/4).]servants

Imam Reza (A.S.) had no difference with people and the masses in the society in social relations and wherever he appeared he would not be known and he never moved or travelled with his followers and attendants and didn't behave like kings. By his practical method and behavior, he always disproved the deeds and behaviors of the Caliphs and informed people that the way of life of Islamic governors is thus; the Imam never distinguished between the needy and the poor and the leaders and authorities.

Imam Reza (A.S.): “Whoever sees a Muslim poor and does not say hello to him while he says hello to the rich, on the Judgment Day he will see the Almighty God frowning upon him” (Bihar al-Anwar 38/72).

Imam Reza: “Whoever degrades a believer or looks down on him because of his poorness or destitute, he will be disgraced by God on the Judgment Day” (Uyun Akhbar al-Reza (A.S.) 33/2).

Imam was kind to the masses. He sided with the deprived masses and was with them; and as he didn't distance himself from common people, he was well informed of their problems and quite aware of their pains and sorrows and recognized their needs; therefore, the distinguished humane Imam was familiar with the pains of the

of the needy and fulfillment of the desires of the poor is of special position and importance. This is a duty and assignment for those who can to help the disabled. This is a competition in which the participants with each step they take get even closer to God Almighty and divine rewards and are in the shadow of God's satisfaction. This is why our Prophet and Imams, more than others, have paid attention to this important issue and have behaved as such in their ways of life.

Imam Reza: "The best charity and alms in the way of God is helping the poor" (Tohaf al-Oghol/ 525).

Imam Reza (A.S.) also was himself ahead of others in this regard and behaved thus in his own life. He accumulated no wealth during his time as the crown prince; and he gave all he was provided with to the needy and the poor and stored them instead for the Hereafter.

Imam Reza (A.S.) in Khorasan divided all his wealth on the day of Arafah (among people and the needy). (At this time) Fazl Ibn Sahl stated that this deed brings about loss. The Imam (A.S.) said: "*Rather, this is a profitable indeed. Do not consider loss whatever you give away for divine rewards and human dignity*" (Bihar al-Anwar100/49).

This is why coming to the aid of the needy and the poor is regarded a human dignity and a divine deed; so those that act unlike this and speak of human dignity and human rights do not follow the straight path and do not perform their tasks properly.

Imam Reza (A.S.) shared whatever he possessed of blessings with the poor and the needy and shared his life with them and always

positions or not- ever abandoned this lifestyle; rather, they lived like the poorest of the people.

Imam Reza (A.S.) also in his lifetime, like his fathers, was with the needy and the poor and lived like them and avoided any kind of luxury and aristocracy. Although Imam had been chosen as the crown prince but he still lived in the style of his fathers, unlike what was common among those ruling the Caliphate, and by his behavior questioned the lifestyle of Ma'mun and revealed his non-Islamic beliefs. Imam Ali ibn Musa al-Reza (A.S.) in all his statements considers a devout person or believer as a member of the great human society; a society in which humans are either Muslims or religious brothers, or non-Muslims and fellowmen; a society in which the pains and sorrows of each member is considered the pains and wounds of the believers and they feel responsible to come to the aid of the needy and avenge the tyrannized and spare no efforts in this way. People are all members of the same society and the pains of each human will also pain other people and give rise to social sensitivity and human emotions. Imam Reza (A.S.): "Being generous to people, serving food to the poor, doing justice to the oppressed and looking after the needy are the most praiseworthy characteristics" (Bihar al Anwar 357/78). Imam Reza (A.S.): "God has made the rich responsible to rise in support of the bedridden patients and other sick people..." (Uyun Akhbar al-Reza (A.S.) 89/2).

In the divine and humane culture of Islam, attention to the needs

home and people outside, behind Mohammad Ibn Jafar. After the prayers, the Imam came back to the meeting and called for Omran Sabi and said: “*Now, ask o’ Omran.*”

And again Omran posed some questions and the Imam replied and said after answering: “*Did you get (the answer to your question?)*” He replied: “*Yes, my lord, I realized it.*” And at the end of this discussion which lasted for some time, Omran Sabi was guided to the straight path and said “Shahadatayn” and lay in prostration towards the Qiblah and became a Muslim believer ... (Uyun Akhbar al-Reza (A.S.) 154/1).

This is the way of life of those great leaders of humanity who prefer no other thing, even though of high importance, to first-time prayers and worship of God Almighty; even in the greatest of meetings and the most valuable of deeds.

### **With the Needy and the Poor**

Sympathy with the needy and the poor is one of the basic attributes of the Imam and the governor in the Islamic community and leads to very productive outcomes. This important issue has existed in all invitations of divine prophets and leaders and in Islam also it has always drawn great attention since the first days; and the Prophet (P.B.U.H.) was always with the needy and the bare-footed people and slaves and lived with them. The Prophet was with them; he sat with them and rose up with them and lived like them. Our Imams were all like this too and none of them- either in governing

that the importance of prayers has become quite clear for others as well. Imam Reza (A.S.), too, in his way of life and on many other occasions, has showed the significance of this issue.

Ibrahim Ibn Musa Ghazar says, “One day in Khorasan at a mosque, I was at the service of Imam Reza. I was insisting on something I wanted from the Imam. In the meantime, Imam left the mosque to welcome a group of people. On the way, the time of prayer came. Imam suddenly stopped. We were only two. Imam told me, ‘Call Azan.’ ‘Wouldn’t it be better to wait for the companions to join us?’ I replied. Imam said, ‘God bless you. Never postpone your first time prayer to a later time without a reason. Never lose the chance to say your prayer first time’. So I called Azan and we prayed together” (Montaha al-Amal 1651/3).

In the life of that great Imam, an incident has been recorded which sheds light on the great and vital importance of first-time prayers. In those days, Ma’mun held discussion and debate meetings and invited the Imam (A.S.) and the great scholars of religions and philosophical schools to debate and the Imam would discuss with Christian scholars, theologians and philosophers. When debating with Omran Sabi, one of the great scholars and famous theologians of that time, the prayer time arrived and while their discussion with Omran Sabi had reached its crucial point and Omran was about to give in to the Imam’s words, the Imam stopped conversing and told Omran: “*Let us pray and go back to discussion later.*”

So the Imam and Ma’mun rose to their feet. The Imam prayed at

*‘Imam Reza (A.S.) always held first-time prayers and when his morning prayers came to an end, he would lie in prostration and not hold up his head until the sunrise; and meanwhile, the Imam was engaged in praying to God’* (Uyun Akhbar al-Reza (A.S.) 422/2). Also, Abasalt has said, “I saw Imam Reza prostrating and saying five hundred times the word ‘Sobhan Allah’” (Uyun Akhbar al-Reza (A.S.) 30/1).

Imam Reza (A.S.) had a special interest in fasting. This is why throughout the year he would go on many recommended (non-obligatory) fasting.

Ibrahim ibn Abbas says: “*The Imam would fast a lot, he would never forget the fasts in the beginning, middle and end of the month, and said: “fasting on these three days equals the fasting of Dahr”* (Uyun Akhbar al-Reza (A.S.) 198/1).

Prayer is the basic tenet of religion and the pillar of Islam and the ascension of Muslim believers. Prayer paves the way for the flourish of righteousness and propriety and inhibits perversity and dishonesty. Prayer brings about peace, calm and mental security and removes any kind of worries and concerns. Thus, in Islamic teachings, the importance of prayers and its vital role have been greatly mentioned and its establishment with special traditions and conditions has been highly emphasized and holding it at the proper and first time has been considered necessary, specifically holding it in communities or groups. Due to the importance of this issue, our leaders have paid great attention to this in their ways of life so

words in any meetings.

5. Scientific debates must be held among scholars and people so that the right and accurate and cogent views can be confirmed by others as the correct beliefs and so that we can prevent the promotion of false and unconvincing beliefs; in the same way that people and thinkers attended the debates of the Imam (A.S.) with the scholars.

### **Before God**

The best of epitomes and the worthiest of humans for perception of the truth behind worship of God are divine authorities and the true leaders. The way of life of Imam Reza (A.S.) is also the best model for the worship of God. Keeping vigils at nights, long prostrations, first-time prayers, fasting and so many other things about the Imam teach us how to strive in the worship of God. Imam Reza (A.S.) considered the midnight as the best time for worshiping God and by keeping vigils at the heart of the night, he engaged in midnight prayers.

Ibrahim Ibn Abbas says, “Imam slept very few hours at nights and vigils at nights, he kept vigils many nights from the beginning till morning” (Uyun Akhbar al-Reza (A.S.) 184/2).

One of the beautiful and noteworthy manifestations of the way of life and prayers of Imam Reza (A.S.) is his long prostrations; prostrations that are beyond obligatory worships and show the expression of Imam’s worship and slavery to God.

Souli says: “I asked my granny who was a knowledgeable and wise woman to tell me about the manners of Imam Reza and she said,

leader in the Islamic culture to all the peoples in the world. Imam Reza (A.S.), in these negotiations and discussions, by complying with principles that must be observed in a scientific debate and discussion, reminds the Islamic community and the scholars and thinkers and Shia followers and disciples about the proper method in scientific debates. Now, we will refer to a few principles in these debates:

1. Patience and forbearance: In these debates, the Imam encounters the dissidents with patience and great generosity and sometimes some of these discussions lasted for hours. Imam, throughout these, continues the discussions patiently.
2. Fairness: In all these meetings and everywhere in the discussions, the Imam tried to be fair and also asked the other sides to be fair; so when debating with anyone, in any class or of any religion or sect, one must be fair and completely avoid prejudiced and unfair words.
3. In a scientific debate, the debaters must have complete and full mastery over their own beliefs and faiths and those of the other sides and be completely familiar with scientific resources and books and various belief systems; in such a way that when debating with any scholar, Imam Reza (A.S.) benefited from their books and resources as well.
4. In a debate, the words of the other side must not be interrupted and rather, the critics must be allowed to fully express their criticisms and problems and then one should answer them; the same way that Imam Reza (A.S.) never interrupted anyone's

*them) and reveal the inaccuracy of their reasons and once each one of them gives up their words and admits my words, then Ma'mun will realize that what he had been thinking of is futile and he will never achieve his goal; this is when he will become sorry...*" (Uyun Akhbar al-Reza (A.S.) 154/1).

The morning came and everyone from the military generals, Bani Hashem Family and the people, etc. all gathered in the meeting arranged by Ma'mun. The Imam made his ablution, drank a sherbet and entered the meeting and began talking with Ma'mun. Then Ma'mun called Jasaligh and said, 'You Jasaligh! This man here is my cousin Ali Ibn Musa Ibn Jafar and he is one of the grandchildren of Lady Fatima (A.S.), the daughter of our prophet, and Ali Ibn Abi Talib (A.S.). I would like you two to have a debate and you to be fair" (ibid).

These debates and discussions started and continued until the Imam convinced each of the scientists, philosophers, theologians and distinguished men of religions and so on with reasons and proofs and revealed this to everyone and each of them agreed to the Imam's words and abandoned their own reasons and beliefs.

When engaged in scientific and cultural debates and discussions with the scholars and thinkers of different thinking groups and representatives of different schools, Imam Reza (A.S.) is still a kind and affectionate Imam, kindly and respectfully addresses each of their questions, doubts and problems and withdraws from no scientific encounters and is worried by no doubts raised by the debaters and therefore reveals the meaning of being an Imam and

*scholars of different sects and religions?”*

*I said: “Dear lord, he is trying to test you and would like to understand the extent of your science and knowledge but by God, he has used a wrong means”.*

*Imam Reza (A.S.) said: “what is his means?”*

*I said: “People of speech and debate are different from scholars, they are people of negation and if you try to bring them reasons that God Almighty is only one, they would ask you to prove it and if you say that prophet Mohammad (P.B.U.H.) is his messenger they ask you to prove his prophetic mission. They keep saying such things till the listener is bewildered and even if you try to disprove their words with all possible proofs and reasons, they will falsify it so that you will stop saying so; so dear lord, just avoid them”.*

*The Imam smiled and said: “O,Nofeli! Are you afraid they would disprove my reasons?”*

*I said: “No, by God no; I would never think so about you. I hope God will further your victory over them”.*

*The Imam said: “O,Nofeli! Would you like to know when Ma'mun will feel sorry for his actions?”*

*I replied: “Yes.”*

*The Imam said: “Once, he hears my reasons against the people of Torah with their Torah and against the believers in Bible with their Bible and against the people of Psalms with their Psalms and against the Saebeen with their own logic and with the Zoroastrians in Persian language and against the Romans in the Roman language... So once I persuade each group (give firm answers to*

fail to answer them and the masses of people will stop joining him. Hasan ibn Mohammad Nofeli Hashemi says: *“When Imam Reza (A.S.) entered Merv, Ma’mun told his vizier, Fazlibn Sahl, to gather the great men of religions and scholars in order to have debates and discussions with the Imam. Fazl Ibn Sahl did so. He gathered Jasaligh, the greatest of Christians, Ras al-Jalot, The noble of Jews, The heads of star-worshippers, Horboz Akbar, the greatest of Zoroastrians, the philosophers, orators, etc. They all met in a meeting. Ma’mun congratulated Fazl Ibn Sahl on his success. He said to the philosophers, scholars, etc., ‘I have brought you together so that you could have a debate with my cousin (Imam Reza (A.S.)) who has come here from Medina. Thus, everyone should be present here first thing tomorrow morning and no one shall be absent in the meeting’”*.

Hossein Ibn Mohammad Nofeli says, *“We are at the presence of Imam Reza (A.S.) when Yaser, the servant, suddenly came in and said, ‘My lord and Sayyed! The Caliph has sent you his greetings and a message: ‘May your brother be your ransom! The scholars and elites, the religious leaders and great orators from different nations have gathered here. If you like to talk with them, come see me in the morning and if it is difficult for you do not bother we shall come to your place, which would be easy for us’. Imam said, ‘Tell Ma’mun! I know what he wants and I will be present in your meeting’”*.

Nofeli says: *“When Yaser, the servant, left, Imam turned to me and said: “why do you think Ma’mun has gathered the scientists and*

languages of peoples and nations and guided each nation in their own language and dialect and spoke to everyone in their own language. Indeed, the Imam spoke in Persian, Hindi, Turkish and Roman and it astonished everyone to see that he was well-informed of all words and languages and spoke to everyone in their own languages.

Abasalt Heravi says: *“Ali Ibn Musa al-Reza (A.S.) spoke to the peoples in their own words and languages. By God, Imam Reza (A.S.) was among the most eloquent and wisest of people in all languages and words. One day, I asked that Imam: “I am bewildered by your knowledge and mastery of all languages and words!” The Imam said: “O, Abasalt, I am the proof of God on His people and it’s possible for someone to be the proof of God on His people and not to be aware of their words and languages”* (The Virtues of Family of Ali ibn Abi Talib 362/4).

Thus, people, scholars and scientists paid attention to the Imam and this was against the Caliph’s will. Imam Reza (A.S.), through his discussions with the thinkers of religions and schools, destroyed all the plans of Ma’mun and informed the righteous seekers after divine knowledge and helped them learn real sciences from the true teachers of revelation.

What happened in Merv was that Ma’mun, the Abbasid Caliph, in order to question Imam Reza’s knowledge, gathered the distinguished men of different religions and beliefs and great scientists and philosophers and theologians so as to have debates and discussions with the Imam; assuming that the Imam (A.S.) will

the Imam and his riders; then, the Imam was asked to retell a narration for them and he did so; it is said that more than twenty thousand people recorded the Imam's words by pen and ink.

Imam Reza (A.S.) was such that whatever he was asked he would reply and there was nothing he was uninformed of and there was no question that he would not know the answer to.

Ibrahim ibn Abbas says: *“I never saw Imam Reza (A.S.) to have been asked a question and not to know the answer to it; and I haven't seen anyone wiser than him on the matters of life. Ma'mun, by raising many issues and posing many questions on everything, would test that Imam and the Imam (A.S.) would answer them while all the answers of that Imam had been derived from the Qur'an and were based on that”* (Uyun Akhbar al-Reza (A.S.) 180/2).

The Imam's knowledge was so extensive that he amazed everyone so much so that some people had become sensitive and were curious and had assumed that he is one of the divine prophets.

Soleiman Jafari says, “I was t the service of Imam Reza (A.S.).

There were people from different walks of life at Imam's home.

Everyone asked a question and received a decent answer. I was so surprised and fascinated by this vast and superhuman knowledge

that I became concerned and told myself ‘He deserves to be one of divine prophets’. At this moment, Imam quickly turned to me and

said ‘The leading Imams are all patient, forbearing, and wise but

the ignorant call them prophets while they are not” (The Virtues of Family of Ali ibn Abi Talib, 363/4).

Imam Reza (A.S.) was fully informed of all the words and

a problem and could not solve it, everyone referred to me and they brought such issues to me and I solved them” (Bihar al-Anwar 100/49).

Imam Reza (A.S.) was not only the final reference for answering the scientific issues in Medina but was also always referred to by scientists and the learned men in all vast Islamic territories; and also the masses of people turned to him for their questions and it was such that in the Imam’s path from Medina to Merv, wherever Imam Reza (A.S.) walked, people would gather around him and ask him questions on different issues and were answered.

Reja Ibn Zahak who was sent by Ma’mun to bring Imam Reza (A.S.) from Medina to Merv has said, “I swear to God that I have never seen a man so virtuous before Him and have also never seen a person so much remembering Him, and so much afraid of Him ... Every city he entered, people came towards him from every corner and asked him their religious questions and the Imam answered their questions and told them about the wisdoms of his fathers, Imam Ali (A.S.) and the Holy Prophet. When I came back and went to see Ma’mun, he asked me about the Imam along the trip and when I told Ma’mun the story of days and nights and the stops, Ma’mun said, ‘That is right. Oh Ibn Zahak! This man (Ali Ibn Musa al-Reza) is the best, the most knowledgeable and the most virtuous of the people on the earth’” (Uyun Akhbar al-Reza 180-182/2).

One of the greatest gatherings of people during the Imam’s journey was the gathering of people and scholars from Neishabour around

knowledge.

Among the Shia Imams, Imam Reza (A.S.) has been famous as “Alem Ale Mohammad”. Imam Kazim (A.S.) recommended all his children to serve Imam Reza (A.S.) and refer to that Imam with regard to religious and scientific issues and said, “This brother of yours Ali Ibn Musa al-Reza is the knowledgeable of the Family of Prophet (P.B.U.T.). Ask him about your religious affairs and remember what he tells you because I heard my father Jafar Ibn Mohammad (A.S.) that said, ‘Alem Aleh Mohammad is in your loins and it is my wish to be at his presence; he is called Amir al-Moemenin’” (Kash al-Ghamah 317/2).

Imam Reza (A.S.) was such a figure that everyone admitted to his ocean-like knowledge and science and knew him to be the wisest and most knowledgeable of the people of the time and preferred no other scholars to him.

Abasalt Heravi says, “I have never seen anyone wiser and more knowledgeable than Ali Ibn Musa al-Reza. Any scientist who visited him confessed the same. Ma'mun gathered a group of religious scholars, jurists and orators from other religions and Islam in a meeting to sit together and have a discussion but Imam superseded all of them by his knowledge and everyone confessed and verified his superior virtue and knowledge and accepted his weakness” (Bihar al-Anwar 100/49).

Imam himself has mentioned this and has revealed the truth in this regard and said, “I sat in the holy prophet’s shrine and there were many other scholars in Medina. When one of them could not solve

spouses. Adornment at home and in the presence of the family is highly necessary and causes for convergence and friendships in the family to become even stronger and for the attractions to become deeper and more; also, this will lead to more chastity and virtue in the family. This characteristic and behavior is considered as one of the prominent attributes of Imam Reza (A.S.) and he was always neat and adorned among the family and friends.

Ibn Jahn says, “I was at the presence of Imam Reza (A.S.) and he had dyed his hair black. I asked ‘My lord, have you dyed your hair black?’ he replied ‘There is a reward in dying your hair, dying your hair and decorating oneself (one’s appearance) is what increases chastity among women. Women who put away chastity because their spouses did not decorate themselves for them’” (Makarem al-Akhlagh/89).

### **Alem Ale Mohammad or the Wisest of People**

Islam is the religion of knowledge and learning. God started his words with the Prophet by ‘Iqra’ meaning ‘Read’; and everywhere in His heavenly book He invited humans to accumulate knowledge. This highly vital and immortal principle has always been the case in the words and life of the Prophet and Shia Imams. Our Imams or leaders have been known as the most knowledgeable humans in all periods and everyone, from scholars to ignorant people, have admitted to their knowledge and history indicates that they have always been referred to by all scholars of and seekers after

view. Imam Reza (A.S.) always appeared among people in an adorned and beautiful appearance and everyone enjoyed seeing him and when he was on his own, he would abstain and lead a life of self-denial.

“Imam Reza (A.S.) sat on straw mat in summers and on sackcloth in winters and he wore coarse clothes but when he wanted to appear in the public he would adorn himself” (Uyun Akhbar al-Reza 178/2).

These are the very attributes of the guardians sent by God who adorn their own appearance for the pleasure of humans in the society and appear in the society in a pleasing appearance. They thus maintained the glory and elegance of the Islamic society as long as it did not verge on luxurious and evil lifestyles.

In addition to adornment, neatness and cleanliness, he always appeared in the society all perfumed. Humans’ using perfume while worshiping and also in the family and in the society is a benign and moral assignment highly emphasized by Imam Reza (A.S.).

Imam Reza (A.S.): “It is not worthy of humans not to use perfume every day; if they can’t do so every day, so it should be done every other day, and if they still can’t do so, on every Friday; and they should not forget this (measure)” (Al-Kafi 510/6).

In the family, also which is a small community, this assignment must be done and by means of perfume and sweet-smelling aromas, the spouses and also the other family members should be pleased and therefore the family bonds be strengthened. Furthermore, in addition to good smell, humans must adorn themselves for their

serve us” (Bihar al- Anwar 102/49).

Quoting the holy prophet, Imam mentions one of the rights of the guests on the host and says, “It is one of the rights of the guests on you to keep their company till they leave your door” (Uyun Akhbar al-Reza 70/2).

### **Neatness and Cleanliness**

Neatness, cleanliness and purity are cherished by all humans and everyone is inclined towards beauty and purity. This issue is of special importance in Islamic teachings so much so that the gracious Prophet has considered cleanliness as part of faith.

“Cleanliness is part of faith” (Nahj al-Fesahat/790)

In the Islamic view, humans must, while they are simple and away from luxury, must pay attention to cleanliness and neatness and people in the Islamic society must therefore have a beautiful and pleasant appearance. According to Imam Reza (A.S.) also health and cleanliness are highly significant and impurity and filth are censured and disapproved of. The Imam says in a narration:

*“God Almighty loves beauty and neatness and looks down on destitution and pretense to destitution and He also regards unkempt and filthy people as enemies...”* (Fiqh al-Reza (A.S.)/354).

It should be noted that neatness and cleanliness have nothing to do with luxury and pretense; humans can be beautiful and neatly adorned without having to lead a life of luxury and extravagance; furthermore, regarding a ragged and unpleasant appearance as an ascetic and simple life, has been highly censured in the Islamic

who cherishes his guest. The way and manner of cherishing the guests has a special position. Hospitality is considered a virtue. A guest is a gift and their presence increases the blessing of God. Whenever a guest came to Imam Reza (A.S.), he was welcome very amicably and friendly by him. The Imam not only served the guest but also provided them with whatever they needed. The Imam behaved so kindly that the guest became very happy with themselves and it was an honor for them to be so respected.

Ahmad Ibn Mohammad Ibn Abi Nasr Bazanti, one of the greatest of the companions of Imam Reza (A.S.) says, “The Imam sent me a horse and I went to see him. I stayed with him till night. When Imam rose, he said to me, “I see there it is not possible for you to leave to Medina tonight”. “That is right my lord” I said. “So, stay with us tonight and you can leave to Medina at dawn.” “I shall do the same my lord” I said. Then Imam told his servant, “Prepare for him my bedclothes for him, give him my blanket, and my pillow...” (Uyun Akhbar al-Reza 212/2).

This was how Imam treated his guests; he offered his own bedclothes. In another outstanding behavior with another guest, Imam implies another important rule; the convenience of the guests is always recommended and is always important and we should never expect anything from them:

A guest came to visit the Imam and stayed with him and talked to him till it became dark. In the middle, the lantern light became dim. The guest went to fix the lantern but Imam stopped him and fixed it himself and then said, “We are people who never make our guests

He personally served his own guests.

When he arrived at a table, he didn't allow anyone to arise in his honor.

He was very patient and forbearing.

These humane and benevolent characteristics and behaviors of the Imam were always with him and treated friends and enemies likewise; and these attributes strongly influenced his enemies and made them feel humble towards him.

As a reply to the objection of the Abbasids to Imam Reza's becoming the crown-prince, Ma'mun has said, "As for what you have said about Ma'mun's becoming a Shia by choosing in]I need to say that[Abi Hassan al-Reza as his crown prince, fact Ma'mun would never choose him unless he knew him well. Ma'mun knew he would not find anyone in the world more virtuous, chaste, and pious as well as less willing towards the world like him. Also, there was no one like him free from want, among the nobles and the public, and also no one more serious than him in performing the obligatory and the forbidden" (Bihar al-Anwar 49/211).

This is the confession by an enemy who martyred the noble Imam. When he saw that the Imam is better than anyone in words and deeds and witnessed that he performed whatever he recommended, he had no choice but to confess the truth.

### **Hospitality**

One of the aspects of humanity and benevolent characteristics of the nobles is hospitality. In Islamic custom, the faithful is the one

the Razavi (or Imam Reza's) tradition. Whether righteous and committed or wrongful and uncommitted, people must be all treated humanely and one must try to solve their problems and consider the different strata of the society as a single body and everyone must be humanely treated based on human standards. The Imam also acted by these words and imbued the human society with his humanity and lived in such a way:

He never spoke a single word to anyone's harm.

He never hurt or annoyed anyone through his words.

He never interrupted anyone's words before hearing them out.

He was always smiling.

He never laughed out loud.

He fulfilled other people's needs as much as he could.

He never stretched out his legs in the presence of someone sitting near him.

He never leaned against anything while facing someone.

He never spoke improperly to his friends and comrades.

Whenever he went to his private house and the tablecloth was spread, he called all workers and slaves to the table, even the porters and the stablemen, and sat at one table with them and dined with them.

He was very righteous and kind and also very charitable.

He helped the poor and the needy. He mostly did this at nights and away from people's eyes.

He visited the patients.

He attended the funerals.

of human perfection through the divine teachings of his father and got ready for a noble mission. Good behavior, broad knowledge and strong faith and devotion were among the many distinguishing characteristics of the Imam.

### **“Imamah” (Divine Leadership)**

After the martyrdom of Imam Musa al-Kazim (A.S.) by Harun al-Rashid al-'Abbasi, in 25<sup>th</sup> of Rajab 183 AH, he took on the Imamah and leadership of the Islamic society and the guidance of the human community.

### **Humane and Benevolent Nature**

Imam Reza (A.S.), as a perfect epitome for humans- whether in his lifetime or for the people after him- had characteristics and qualities that amazed both his friends and enemies and fascinated everyone; in such a way that everyone praised him and spoke of his grandeur and benevolent nature. Imam also invited everyone to benevolent behaviors and attributes through his words, reminded everyone of friendship and kindness, recommended them to help each other and taught everyone not to speak improperly and so on. Imam Reza (A.S.) says, quoting the Prophet (P.B.U.H.): “The pinnacle of wisdom- after faith in God- is friendship with people and righteousness towards all the righteous and the wrongful (humans)” (Uyun Akhbar al-Reza (A.S.) 35/2).

Imam Reza: “Anyone who solves the problems of a believer and makes him happy, God will make him happy on the Judgment Day” (Vasael al-Shia 372/16).

The divine and benevolent behavior towards all humans is

behavior in the Islamic society.

To acquire perfectionism, human life and an ideal society, man should benefit from the truthful leaders' words and practices, and bring his lifestyle close to theirs. Imam Ali Ibn Musa al-Reza (A.S.) is the best role model for human beings in terms of individual and social manners, human essence and divine characteristics, displaying love for others, etc. This great Imam and leader has always been a role model for humans. Imam Reza (A.S.)'s sayings and his conduct and behavioral role model are the best example and models for all humans on all days and times. And this is a glimpse of manners and conduct of this great leader of mankind. May it be a guide for us and a revival of human essence and divine virtues in us!

### **Birth**

On the 11<sup>th</sup> of Dhu al-Qi'dah, 148 AH, in the enlightened city of Medina and in the family of the Prophet (P.B.U.H.) and his holy Household (A.S.) and shortly after the martyrdom of Imam Sadiq (A.S.), a light was shone and a pure child stepped into the world. Based on the prophetic traditions and God's will, he was named "Ali". He was given the epithet "Reza" and based on the Arab traditions, he was given the further sobriquet "Abulhassan". His other titles were "Alem Ale Mohammad", "Qharib al-Qhoraba", "Shams al-Shomus" and "Moein Al-Zoafa".

His father was Imam Musa ibn Jafar(A.S.), the seventh Shia Imam, and his mother was a noble and wise woman called Toktam (or Najmeh). He was raised in Medina and reached the highest levels

educated humans having been presented by referring to behavioral and practical characteristics of such human role models.

In the Holy Quran, Allah calls His great prophet Abraham (P.B.U.H.) patient, forbearing before problems, compassionate, and submissive to His orders: “For Abraham was, without doubt, forbearing [of faults], compassionate, and given to look to Allah.” (Hud/75)

Philanthropy and endeavor, to save humans, by Great Prophet of Islam was depicted in the same way: “Ta-Ha. We have not sent down the Qur’an to thee to be [an occasion] for thy distress.” (Ta Ha/ 1, 2)

Prophet’s companion and sympathy with and belief in people thus become clear: “Now hath come unto you a Messenger from amongst yourselves: it grieves him that ye should perish: ardently anxious is he over you: to the Believers is he most kind and merciful.” (Touba/128)

Holy Quran also mentions the prophets’ being a role model: “Ye have indeed in the Messenger of Allah a beautiful pattern [of conduct] for any one whose hope is in Allah and the Final Day, and who engages much in the Praise of Allah.” (Ahzab/21)

This is why one of the sources of knowledge in Islamic viewpoint is the lifestyle of prophets, divine guardians and religious leaders from the holy Prophet to the pure Imams, in other words the Infallibles’ conduct. In addition to their narratives and sayings, their character and behavior, i.e. their conduct and lifestyle, is also a source of knowledge and role model for individual and social

## Living under the Sun's Shadow

### Introduction

Today, man has lost himself on side-roads of a far-from-spirituality mechanical life; and has forgotten the human spirit, emotional relationships and social ethics, and is suffering from confusions.

Ideal life free from oppression, cruelty, and discrimination, as well as achieving individual and social perfectionism are unattainable wishes for the man today.

In the crisis of this life, man hopes to overcome his confusions, rediscover the right path in life, organize his unorganized life, finds a way out of these rugged, winding roads, reach a human highway and place himself on the true path of life.

This great wish is attainable when man steps on the path of the great people and the truthful leaders, and follows those distinguished figures and mankind's great teachers as his role models. And set their lives and manners as the criteria for his individual and social life, and employ them to establish relationship with others.

In depth review of manners and lives of the noble men and true leaders illuminates the dark paths of searching people's filled-with-fears lives. Accordingly, the teachers and scholars employ this method, and by reminding people of the noble people's distinguished characteristics, guide the society and generations towards a brighter future. In the Heavenly Book and the Human's Guidance Charter, we can see the same method having been used to train and lead human beings and sublime examples of highly

a source of knowledge and role model for individual and social behavior in the Islamic society.

To acquire perfectionism, human life and an ideal society, man should benefit from the truthful leaders' words and practices, and bring his lifestyle close to theirs. Imam Ali Ibn Musa al-Reza (A.S.) is the best role model for human beings in terms of individual and social manners, human essence and divine characteristics, displaying love for others, etc. This great Imam and leader has always been a role model for humans. Imam Reza (A.S.)'s sayings and his conduct and behavioral role model are the best example and models for all humans on all days and times. And this is a glimpse of manners and conduct of this great leader of mankind. May it be a guide for us and a revival of human essence and divine virtues in us!

and practical characteristics of such human role models.

In the Holy Quran, Allah calls His great prophet Abraham (P.B.U.H.) patient, forbearing before problems, compassionate, and submissive to His orders: “For Abraham was, without doubt, forbearing [of faults], compassionate, and given to look to Allah.” (Hud/75)

Philanthropy and endeavor, to save humans, by Great Prophet of Islam was depicted in the same way: “Ta-Ha. We have not sent down the Qur’an to thee to be [an occasion] for thy distress.” (Ta Ha/ 1, 2)

Prophet’s companion and sympathy with and belief in people thus become clear: “Now hath come unto you a Messenger from amongst yourselves: it grieves him that ye should perish: ardently anxious is he over you: to the Believers is he most kind and merciful.” (Touba/128)

Holy Quran also mentions the prophets’ being a role model: “Ye have indeed in the Messenger of Allah a beautiful pattern [of conduct] for any one whose hope is in Allah and the Final Day, and who engages much in the Praise of Allah.” (Ahzab/21)

This is why one of the sources of knowledge in Islamic viewpoint is the lifestyle of prophets, divine guardians and religious leaders from the holy Prophet to the pure Imams, in other words the Infallibles’ conduct. In addition to their narratives and sayings, their character and behavior, i.e. their conduct and lifestyle, is also

Today, man has lost himself on side-roads of a far-from-spirituality mechanical life; and has forgotten the human spirit, emotional relationships and social ethics, and is suffering from confusions. Ideal life free from oppression, cruelty, and discrimination, as well as achieving individual and social perfectionism are unattainable wishes for the man today.

In the crisis of this life, man hopes to overcome his confusions, rediscover the right path in life, organize his unorganized life, finds a way out of these rugged, winding roads, reach a human highway and place himself on the true path of life.

This great wish is attainable when man steps on the path of the great people and the truthful leaders, and follows those distinguished figures and mankind's great teachers as his role models. And set their lives and manners as the criteria for his individual and social life, and employ them to establish relationship with others.

In depth review of manners and lives of the noble men and true leaders illuminates the dark paths of searching people's filled-with-fears lives. Accordingly, the teachers and scholars employ this method, and by reminding people of the noble people's distinguished characteristics, guide the society and generations towards a brighter future. In the Heavenly Book and the Human's Guidance Charter, we can see the same method having been used to train and lead human beings and sublime examples of highly educated humans having been presented by referring to behavioral

Decade of Generosity simultaneous with the birth of Hazrat Fatima Masumeh (S.A.) in the holy city of Qom and after its holding in 31 provinces in the country and many regions in the world, it comes to a close in the holy city of Mashhad on the blissful birth night of Imam Reza (A.S.) in the presence of high-ranking officials, people from different walks of life, the top chosen of the Imam Reza (A.S.) International Festival, and cultural and artistic figures by paying tribute to the servants of Razavi culture.

### **J: Publications**

One of the ongoing programs of the Imam Reza (A.S.) International Foundation for Culture and Arts, which operates under the supervision of the Ministry of Culture and Islamic Guidance, is the publication of Imam Reza (A.S.) International Festival research achievements. What shall come in the following has been written by the honorable author, Mr. Mohammad Mehdi Hakimi, and in this text the best has been done to briefly review the Razavi tradition and lifestyle so that it can be set as a role model for those who contemplate on the happiness and bliss in the world and the Hereafter for themselves and also for the society where they live and who believe in a life inspired by Razavi teachings can guarantee enteral and heavenly bliss. So we should know the dimensions of the life and personality of Imam Reza (A.S.), as the eighth Hujjat Allah and the highly esteemed by the Prophet (P.B.U.H.), more properly and introduce them more elegantly.

**Imam Reza (A.S.) International Foundation for Culture and  
Arts**

teachings and instructions by creating a vibrant spiritual atmosphere in the society, is one of the annual programs of the Imam Reza (A.S.)'s International Festival which will be held by the General Offices of Culture and Islamic Guidance and the member institutions following the Decade of Generosity in the provinces of the country.

### **G: The Top Chosen**

One of the great achievements of the Imam Reza (A.S.) International Festival is acknowledgement of the creators of rich cultural and artistic works in the arena of Razavi culture as in various programs and in different provinces the top chosen works are acknowledged by the jury members in each of the scientific, cultural, artistic, film, press and digital fields and the 1<sup>st</sup> to 3<sup>rd</sup> top creators of each of these works are known as the top chosen and are awarded during the closing ceremonies of the thematic program of each of the provinces and institutions.

### **H: The Servants of the Razavi Culture**

One of the programs of the Imam Reza (A.S.) International Festival's closing ceremony is the introduction of the servants of Razavi culture through which 16 distinguished scientific, cultural and artistic figures from inside and outside the country with distinguished services in the field of Razavi culture are introduced and honored and also rewarded with the Razavi medal by the Committee for Selection of the Servants of Razavi Culture.

### **I: Imam Reza (A.S.) International Festival's Opening and Closing Ceremonies**

The Imam Reza (A.S.) International Festival is launched in the

(A.S.) International Festival and with the centrality of the Supreme Headquarters of the Cultural and Artistic Centers of the Mosques of the country and with the cooperation of 30 cultural and relevant institutions in the country.

### **D: Commemoration of Shrine-tombs of the Descendants of Imams and Holy Shrines**

Paying tribute to the shrine-tombs of the descendants of Imams, as the cultural poles in the society, is one of the primary topics of the programs on the 5<sup>th</sup> of Dhu al-Qa'dah in the country's cultural calendar and in the Decade of Generosity which is annually organized and held in all provinces. In recent years, this commemoration has been put on the agenda of the country's Endowment and Charity Affairs Organization to be held internationally and within the framework of a conference and/or a congress.

### **E: Commemoration of Imam Reza (A.S.)'s Footprints**

People hold many celebrations on the occasion of the historic arrival of Imam Reza (A.S.) in Iran and also in the places where the Imam has stopped along his migration from Shalamcheh to Merv. These ceremonies are accompanied by symbolic caravans and other special ceremonies such as programs that are institutionalized with the presence and broad participation of people in the provinces in the migration route and footprints.

### **F: Razavi Culture Weeks**

Keeping the memory of the Imam alive throughout the year, by holding Razavi culture weeks in order to draw on the Razavi

At present, 85 subdivisions of the Imam Reza (A.S.) International Festival are allocated to issues on science, research, culture, art, film, the press, digital world and children and adolescents and the efforts to improve the quantity and quality of these programs are within the framework of professional committees under the custodianship of specialized departments and deputies of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.

### **B: International Affairs**

The Imam Reza (A.S.) International Festival programs defined for abroad are held by drawing on the scientific and cultural capacity of the thinkers and scientists in the world and also by participation of the lovers of the eighth bright star in the sky of Imamah and Velayah from all over the world with a scientific, research, cultural and artistic approach. This section is held by the centrality of the Islamic Culture and Relations Organization and is performed in cooperation with cultural institutions related to outside the country, particularly Ahlulbait (A.S.) World Assembly, Al-Mustafa International University and the center of schools outside the country.

### **C: Public Programs**

The public programs of the Imam Reza (A.S.) International Festival, by creating spiritual opportunities of the Decade of Generosity all over the country in the cities as well as the villages, are held as popular and public celebrations with the participation of various sectors of society and with the prediction of 17 committees of popular and public institutions under the supervision of the Coordination Council of the Decade of Generosity of Imam Reza

## **Introduction**

Annual holding of the Imam Reza (A.S.) International Festival by the Iranian Ministry of Culture and Islamic Guidance inside and outside the country is to mark the occasion of the blissful and fully illuminated birth of the knowledgeable of the family of prophet Muhammad (P.B.U.H.) Imam Ali ibn Musa al-Reza (A.S.), the gracious of Ahl al-Bayt Hazrat Fatima Masumeh (S.A.), and Hazrat Shah Cheragh (A.S.) in the Decade of Generosity (from the 1<sup>st</sup> to the 11<sup>th</sup> of Dhu al-Qa'dah). This festival assumes paramount importance since the scholars, researchers, artists and in a word, the creators of rich Razavi artistic works, by creating distinguished and valuable works every year, pave the way for the further promotion of the Razavi culture, tradition and teachings in a spiritual atmosphere in cooperation with the member institutions and organizations of the Imam Reza (A.S.) International Festival. It also enjoys the support of various sectors of society and also the support of the respected Iranian government and the attention of the honorable Islamic Consultative Assembly, particularly the respectable members of the Cultural Commission, as well as guidelines of Grand Ayatollahs and the distinguished religious scholars.

### **A: Thematic Programs**

The thematic programs defined in the Imam Reza (A.S.) International Festival are comprised of the programs which are held by General Offices of Culture and Islamic Guidance of the member provinces, institutions and organizations in the form of publication of calls and reception of works and selection of the top chosen.